



کارگران جهان متحد شوید!

شماره ۲۵۰ خرداد ۱۳۷۶ ارگان اتحاد فدائیان گمنیست

کنگره

ای دل عبرت بیس!

روز دوم خرداد ماه امسال نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری، در جمهوری اسلامی ایران برگزار شد و محمد خاتمی با "بیش از بیست میلیون" رای از صندوق های انتخاباتی جمهوری اسلامی پیروز سر در آورد و "رقبه" خود ناطق نوری را با شکست فاحشی مواجه نمود.

بقیه در صفحه ۲

در صفحات دیگر:

سرمقاله

ای دل عبرت بیس!

مطالب کارگری

اعلام حمایتها

گزارش کنفرانس کارگری

روند جهانی شدن سرمایه و...

تقد و برسی

دیدگاهها

برهمی گو دیدم کل لاله بجنین

درسهای از مکونوس

مسائل اجتماعی

دریناره آمورش کودکان

طن

اکسر سه کله

سازج اسخانات

متخب اخبار و حوادث داخلی

و خارجی

اطلاعیه ها و بیانیه ها

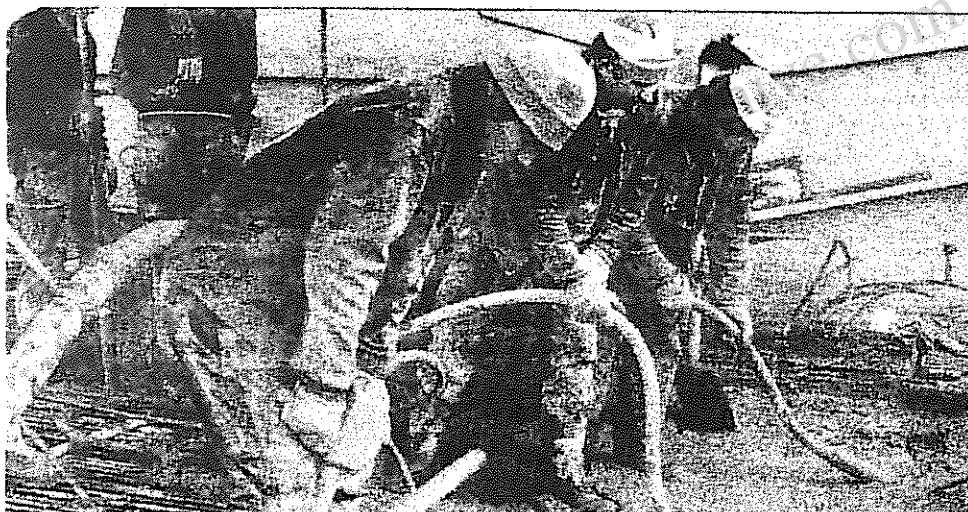
نظرخواهی و مباحثه پیرامون

مسایل مبرم

کارگران بیکار بدون تشكیل و

بدون پشتوانه چه باید بگفته؟

در صفحه ۱۲



طی دو روز آکسیون سراسری در ۱۷ شهر از کشورهای اروپایی و به کوشش اعضای سازمان ما و برخی دیگر از سازمانهای سیاسی که در این آکسیون با ما همکاری کردند، میلیونها کارگر در جریان مبارزات کارگران ایران و سرکوبگریهای جمهوری اسلامی قرار گرفتند و خواستار

۱. آزادی بی فید و شرط دستگیرشدگان

۲. به رسمیت شناختن حق تشكل و اعتضاب برای کارگران ایران

۳. تحقق سایر خواسته های کارگران

شند.

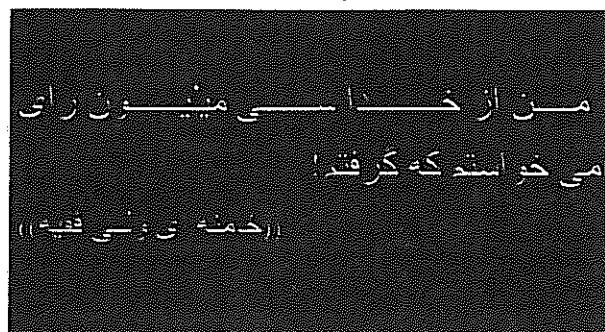
بقیه در صفحه ۲۳

کار، مسکن، آزادی، جمهوری شورایی

ای دل عبرت پیش!

باقیه از متن

همین جهت نیز اینها اکنون انتظار دارند با
انتخاب خاتمی "چرخش بسیار مهمی در
جهت نفوذ سیاست های ۱۸ ساله گذشته



رژیم و برقراری آزادیهای سیاسی، تامین حقوق زنان، جوانان و رفع موانع ارتباط با غرب" بوجود آید. اما بررسی مختصر اوضاع داخلی و بین‌المللی حاکم بر شرایط انتخابات ریاست جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که این تحلیل از بیخ و بن غلط است، و سردمداران رژیم جمهوری اسلامی علیرغم اختلافات و جناح‌بندهای درونی شان برای خروج از بحران و ثبت نسبی موقعیت بسیار لرزانشان در عرصه داخلی و خارجی، انتخابی جز محمد خاتمی و یا چهره‌ای همچون وی را نمی‌توانستند داشته باشند، هر چند که این انتخاب در آینده ممکن است موج در درسرهای جدیدی هم بشود، اختلافات را تشید کند، مداخله بیشتر مردم را در امورات سیاسی بوجود آورد.

در آستانه "انتخابات"، از لحاظ داخلی:
تشدید بحران اقتصادی، افزایش تورم،
بیکاری، گرانی و شکست برنامه های پنج
ساله و طرح تعديل اقتصادی رفسنجانی،
زمین زیر پای رژیم را سست و حتی بلرژه
در آورده بود. اعتراضات وسیع مردمی،
شورش محلات، اعتصابات داشجویی
وسرانجام اعتصابات متداوم کارگری
نمودهایی از این زمین لرزه بولند، و بی
اعتمادی مطلق به جریان حاکم از سوی
اکثریت جامعه یعنی کارگران، زحمتکشان،
کسسه حناء، کارمندان، و ده هاء، سالمندان، و

روز انتخابات به بعد رخ داد. ساعاتی بعد از شروع انتخابات، بطور غیرمنتظره ای، تا جایکه سابق نداشت، نتایج انتخابات تا آن ساعت اعلام شد. وگفته شد که از ۹ میلیون رای ریخته شده به صندوقهای تا آن لحظه! شش میلیون به خاتمی اختصاص دارد" با اعلام این خبر، باز هم اتفاق غیرمنتظره نیگری رخ داد. آقای ناطق نوری "رقیب"

لار تمند محمد خاتمی که اغلب انتظار داشتند وی بعنوان کاندید مراکز قدرت اقتصادی و سیاسی و فرد مورد تایید نظام روابط فقهی، از صندوقها برندۀ بیرون آید، منتظر پایان انتخابات نشد و هنوز یک سوم آراء اعلام شده در پایان انتخابات، به صندوقها ریخته نشده بود که ایشان با ارسال پیام تبریکی به محمد خاتمی، پیروزی وی را تبریک گفت و از آن لحظه یک نفر باقی ماند که می‌باشد "با پشتونه مردمی" از صندوقها بیرون بیاید. و متعاقب این موضع گیری، بر خلاف اعلام قبلی وزارت کشور در باه اینکه "شمارش آراء طول خواهد کشید و نتایج انتخابات روز دوشنبه اعلام خواهد شد" چند ساعتی از پایان انتخابات نگذشته بود که نتایج شماش آراء اعلام شد و از حدود ۲۹ میلیون رای ریخته شده به صندوقها، محمد خاتمی با ۲۰ میلیون رای به ریاست جمهوری انتخاب شد. این نتیجه بویژه کسانی را که از جناح بندیهای درون رژیم تحلیلی سطحی داشتند متعجب و متیر نمود. آنها با توجه به قدرت و نفوذ ناطق نوری و وابستگی او به ولایت فقیه و جناح‌های قدرتمند رژیم، پیروزی او را حتمی می‌دانستند. ارزیابی که اساساً بر تحلیل اوضاع داخلی و شرایط بین‌المللی استوار نبود و بیشتر حشم به دعاهای درون رژیم داشت، به

همچنانکه رسم جمهوری اسلامی بوده است، امسال نیز از میان بیش از ۲۳۰ نفر کاندیدای مورد تأیید نظام که خود از کارگزاران عمدۀ رژیم بوده اند، فقط چهار نفر از صافی و لایت فقیه و شاخ و برگ های آن گذشتند و مردم اجازه یافتد تا از میان چهار نفر فرموده یک نفر را "انتخاب" کنند. تا اینجا قصیه برای کسی جای تعجب نبود. ظاهرا روند با سیستم و لایت فقیه و قوانین و سنت های آن همخوانی داشت. این روش، روشنی بود قابل پیش بینی و شناخته شدم.

اما آنچه که گویا غیر قابل انتظار بود و با روند عمدۀ پیشینی ها در مسیر "انتخابات" ریاست جمهوری فرمایشی همخوانی نداشت چرخشی بود که از نزدیکیهای ظهر

نور صفتی در راه پنهان است چنان
که میتواند از این نظر بسیار
کم میگیرد و در قطعیت نسبت به متن اول
کوچک است اما متأسفانه این مبتدا که متن اول
آنکه شفیده ای را درین موضع که در متن اول
با تاخیری نماید استفاده نماید و در این
آنکه تاخیر میگیرد این مبتدا که در متن اول
معاذل است زیرا درین موضع که در متن اول
های دود و سرمه و سرمه و سرمه و سرمه
دارای
امند و زرید که همان شفیده است و در قدری کمتر از این
بیور شن مار در این راسته پیش از مبتدا
همچنان امانت را رساند که در این موضع
که در متن اول موضعی است که در قطعیت
دانخواه منتهی کند
لذکفته پیش از این موضع که در متن اول
رفق در بیهوده بحیثیتی میگیرد که در این
محترمی این اتفاق است که در این موضع
پیش از این موضع که در این موضع
از هنگکاری شد عزیزان بیشتر از این

"انتخاب اصلح" با "بیست میلیون" رای، بینوسله سر پوش گذاشتند بر بحرانهای درونی و نارضایتی مردم، حل مشکلات رابطه با غرب، متوجه کردن مردم، مهار اعتراضات توده‌ای و کارگری و سرانجام حفظ کیلت نظام به یک چنین نمایش‌ها و مانورهای نیاز داشتند.

اینکه در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد، دقیقاً قابل پیش بینی نیست ولی آنچه که مسلم است توهم پراکنی در اطراف تحولات جدید در ایران و برنامه‌ها و عده



وعده‌های خاتمی بالا خواهد گرفت توسط کشورهای غربی و بخشی از اپوزیسیون ایران بویژه جریانات استحالة چی دامن زده خواهد شد. ممکن است تغییرات محدودی در برخی عرصه‌ها و زمینه‌ها صورت گیرد، رژیم سعی خواهد کرد در پرتو یکسری توهمات و تحولات جزئی با گشودن باب مراوده با کشورهای غربی بحران اقتصادی خود را تعديل کند، نارضایتی‌ها را مهار نماید.

این تحولات در مجموع بنفع تداوم استمار و چپ‌الگری ده بیست درصد ثروتمندان جامعه خواهد بود در عین حال بخش مهمی از خرده بورژوازی و تکنو کراتها را هم خوشنود خواهد ساخت و كما بیش انعکاس آنها در احراب و سازمان‌ها، شخصیت‌های سیاسی اپوزیسیون رژیم در آینده بوضوح نمایان خواهد شد.

اما برای توده‌های کارگر و زحمتکش مردم جز تداوم بیکاری و گرانی، بی مسکنی و فقر و بی حقوقی و سرکوب چیز بیگری به ارمغان نخواهد آورد.

این راست است که دادن "بیست میلیون" رای به خاتمی (خارج از اینکه واقعیت دارد یا ندارد) حتی اگر بادستان خود رژیم هم به صندوقها ریخته شده باشد نشانده‌ند

صندوقهای رای بکشانند در ایجاد محبوبیت برای وی از هیچ کاری کوتاهی نکرند.

از طرف دیگر غرب نیز راه حل مشکلات فعلی خود با جمهوری اسلامی را که با نتایج رای دادگاه برلین بیش از پیش پیچیده

شده بود، در حمایت از خاتمی و دامن زدن به توهم توده‌های مردم ایران در رابطه باوی جستجو کرد. خبر گزاریها خاتمی را بعنوان فرد "مخالف بنیاد گرایی" و "آزادیخواهی" که در سیاست‌های هیجده ساله

جمهوری اسلامی تغییرات اساسی به بنفع مردم سالاری پدید خواهد آورد" معرفی کردند. گو اینکه خود می‌دانستند که محمد خاتمی یکباره از آسمان نازل نشده و هر کی که هست فردیست موردن توافق مجموعه رهبری، حتی در صورت بی طرف بودن و کسب "بیست میلیون" رای واقعی از مردم، با وجود لایت فقیه و اقلاف قوی خامنه‌ای و رفسنجانی در راس آن، که همه تصمیمات از مجریه گرفته تا مقنه از زیر عبای آنها و یارانشان در مجلس خبرگان و شورای تشخیص مصلحت نظام می‌گذرد و بر تمام ارگانهای سرکوب نظمی و انتظامی سلط دارند، کار کارستانی نمی‌تواند بکند. كما اینکه بخود این رهبران هم پوشیده نبود با وجود کاندیدایی با ویژگیهای خاتمی (اگر بنا بود رای مردم مد نظر باشد) مردم به فردی همچون ناطق نوری رای نخواهد داد. دانستن این امر روشن نیاز به رمل و اسطلاب نداشت، پیش بینی پیروزی ناطق نوری هم با فرض تقلب در انتخابات بوده‌ند احتمال رای آوردن بیشتر وی از رقبایش.

پس اگر فرض بر این باشد که رهبران رژیم تقلب "تکریند"، نه ناشی از ناتوانی آنها و نه دال بر دمکرات شدن آنهاست. بلکه

جوانان بطور کلی مشخصه آستانه انتخابات ریاست جمهوری بود. اگر این نگفته ایم اگر ادعا نمایم که اعتراضات کارگری بویژه کارگران صنایع نفت زنگ هشدار دهنده مهمی برای رهبران جمهوری اسلامی در آستانه انتخابات بود.

این خطر را هم غرب و هم جمهوری اسلامی احساس می‌کرند و خود سردمداران اصلی جمهوری اسلامی بهتر از هر کسی میدانستند که در صورت انتخاب (بخوان انتصاب) ناطق نوری نا امیدی و بی‌اعتمادی مردم نسبت به کل حاکمیت افزایش می‌یافت و خطر اعتراضات بیشتر می‌شد.

متناسب با وضعیت داخلی، اوضاع بین‌المللی نیز مناسب انتخاب شدن افراد شناخته شده درون رژیم بویژه مناسب به جناح معروف به محافظه کار نبود. هیجده سال سیاست سرکوب و ترور در داخل کشور، انعکاس وسیع آن در افکار عمومی جهان بوسیله ایرانیان تبعیدی، تداوم سیاست تروریسم دولتی و نتایج دادگاه برلین که رسوایی بزرگی برای سران رژیم و حامیان آنها در غرب بیار آورد، مانع از آن بود که زمینه روی کار آمدن فردی شناخته شده از جناح معروف به محافظه کار را مهیا سازد. انتخاب چهره‌ای خارج از دایره قدرت، کمتر شناخته شده بلحاظ وایستگی به جناحهای درون رژیم، فاقد اهرمای نفوذ اقتصادی و نظمی، مومن به نظام جمهوری اسلامی با رای بالا ... که نشانه ای از وجود دمکراسی در کشور و مشروعیت بعدی نظام در نزد افکار عمومی باشد، مناسبترین بود تا در رفع موقتی بحران و مشکلات رژیم در داخل و خارج به کار گرفته شود. خاتمی با توجه به سوابق وی بهترین بود. رهبران جمهوری اسلامی وقتی به این نتیجه رسیدند، برای اینکه تعداد بیشتری از مردم را بپای

تحقیق انتظارات مردم به تشدید تضادهای درونی رژیم و گسترش مبارزه رادیکال علیه آن دامن خواهد زد.

دستگاه حکومتی در دراز مدت نه تنها با "۳۰ میلیون رای خدادادی" مورد ادای خامنه‌ای قادر به مهار بحران و سرکوب اعتراضات مردمی نخواهد بود بلکه عدم

رویگردانی عمومی از نظام جمهوری اسلامی و انعکاس نارضایتی کامل آنها از نظام حاکم بر کشور است.

انتخابات تعیین ریاست مجلس شورای اسلامی بخلاف اصله بعد از انتخابات ریاست جمهوری اسلامی انجام شد و نتایج آن در مقایسه با انتخابات ریاست جمهوری بصورت تقریبی به شرح زیر اعلام شد:



"انتخابات ریاست جمهوری"	محمد خاتمی ۸۵٪ اراء
"انتخابات مجلس شورای اسلامی"	ناطق نوری ۲۵٪ اراء
"انتخابات ریاست مجلس شورای اسلامی"	محمد خاتمی ۲۰٪ اراء
اسلامی	ناطق نوری ۹۰٪ اراء

مسئله اموریت کوهد کار

باقیه از صفحه ۹

میکند سیستم عصبی مغز تکامل می‌یابد و موجب آن میشود که این نوع اطلاعات در نفعات بعدی به آسانی مسیر یاد شده را طی کرده به سلول مغز برسند. به طور ساده میتوان گفت که بدین ترتیب راهی ایجاد میشود که اطلاعات مشابه را آسانتر از خود عبور میدهد و در نتیجه این نوع اطلاعات ساده‌تر و سریعتر به سلول های مغزی میرسد، و یا به بیان دیگر حضور ذهن و سرعت عمل مغز کودک را در امر فراگیری بهبود میبخشدند.

اطلاعات ذخیره شده هیچگاه از بین نمیروند و به عنوان نمونه کسی که در ایام کودکی با مسئله خاصی برخورد کرده، هنگامی که در آینده با همان مسئله یا مسئله ای شبیه به آن برخورد کند به آسانی قادر به درک آن خواهد بود.

ادامه دارد
ف. بیانی

به پیشنهاد اتحاد فدائیان کمونیست در اجلاس دو روزه (ابتکار مشرک) در استکلم قطعنامه‌ای در حکومت جمهوری اسلامی و در حمایت از جنبش کارگری به تصویب رسید.

در تاریخ ۱۲ آوریل اولین کنگره ابتکار مشرک در استکلم Enhetsinisiativet این اجلاس که جنبش رادیکال کارگری سوئد را در مقابل تعریضات جدید سرمایه‌داری نمایندگی می‌کند، رفاقتی از تشکیلات مانیز بسته اعضاء و فعالین این حرکت در محل کار و زیست خود به اجلاس دعوت شده بودند. رفاقتی ما ضمن پیشبرد وظایف خود در رابطه با جنبش کارگری سوئد در این اجلاس، طی قطعنامه‌ای وضعیت جنبش کارگری ایران را برای حاضرین تشریح کرند و از آنها خواستند تا در حمایت از جنبش کارگری ایران، آزادی بی‌قید و شرط‌بستگیر شدگان و اعتصابات اخیر و قبول خواسته‌های آنها، حکومیت سرکوب و تزور در ایران اقدامات فوری را در ستر قرار دهند. این پیشنهاد با استقبال حاضرین مواجه شد و در پایان اجلاس قطعنامه‌ای در محکومیت جمهوری اسلامی و حمایت از جنبش کارگری و بولیژه کارگران صنایع نفت و کارگران زندانی صادر و با اتفاق آرا به تصویب رسید.

زنده باد همتگی بین المللی کارگران
شورای مرکزی تحداد فدائیان کمونیست
۱۲ آوریل ۱۹۷۲

به دلیل کمبود جا، لیست کمک‌های مالی و پاسخ به نامه‌های رسیده به شماره
اینده موکول می‌شود.

با پوزش از
خوانندگان!

میکونوس و درستهای آن

مشمنزکننده ترین حق کشی و نقض قوانین حقوق بشر را بنمایش گذاشتند.

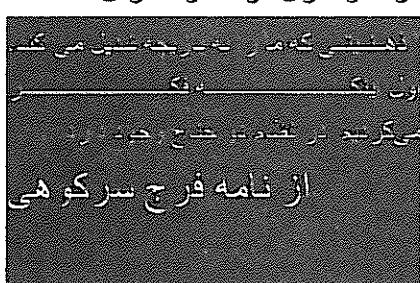
قاتلان قاسملو، بختیار، رجوی، فرزاد و دیگران دو دستی تقدیم جمهوری اسلامی گردیدند تا ارتقاء مقام یافته و عملیات تروریستی بعدی را سازمان دهند. وقوع اینگونه ماجراها در نظامی که همه چیز در خدمت پول، سرمایه و قدرتمندان است به هیچوجه تعجب آور نیست. در پیشرفته ترین و "دمرات ترین" کشورهای سرمایه داری، در زندگی روزمره و اخبار و احادیث دور و برمان هر روز، شاهد ظلم و ستم و اینگونه حق کشی های آشکار هستیم.

مگر همین اتحادیه اروپا نبود که با تصمیمات سازشکارانه خود عملای اراد دادگاه میکونوس در باره رهبران جمهوری اسلامی را بی تاثیر ساخت و کسانی را که به چنین امامزاده هایی دخیل بسته و انتظار معجزه از آنرا داشتند انگشت به دهان نمود؟

متاسفانه فضای نسومیدی و نوکرمنشی که توسط برخی از سازمانهای سیاسی اپوزیسیون بورژوازی، رژیم بر جو سیاسی خارج از کشور حاکم شده و در داخل تاثیرات مخرب خود را بیویژه بر فضای روش‌فکری جامعه بر جای گذاشته است، هر گونه فکر اتکاء به جنبش توده های زحمتکش مردم و اتکاء به فعالیت ثمربخش انقلابی را مسخ نموده و برای اینکه توده های مردم را از فکر شورش و انقلاب بر حذر دارند، برای اینکه سازمان های انقلابی را از هر گونه فکر انقلابی تهی سازند، به هر تلاشی دست می زندند. آنها با قلب ماهیت نظام حاکم بر ایران، فانوس بدست بنال جناح "معتدل" و

اقتصادی دمکراسیهای سرمایه داری بویژه آلمان در ماجراهای "میکونوس" مانع از آن بود تا دادگاه برلین آنگونه که خود مدعی استقلال قوه قضائیه هستند، مستقلان در این باره قضایت کرده و رای خود را صادر نماید. این ماجرا تقریباً چهار سال طول کشید تا بالاخره فشار افکار عمومی از یکسو و شواهد انکارناپذیری که به دادگاه ارائه شد از سوی دیگر دادگاه برلین را مجبور کرد تا با صدور قرار محکومیت برای شرکت کنندگان مستقیم در ترور میکونوس، دست داشتن رهبران جمهوری اسلامی در این جنایت را نیز تأیید نماید.

البته با وجود اینکه برای قضایت دادگاه محرز بود که رهبران طراز اول جمهوری اسلامی طراحان و فرمان دهنگان اصلی جنایت میکونوس محسوب می شوند و می بایست علناً محکوم و حکم بین المللی دستگری آنها صادر گردد، از این کار خوبداری کرند ولذارای دادگاه



کماکان مهر و نشان سازش با جمهوری اسلامی را بر پیشانی خود داراست. البته بیش از آن کشورهایی نظریز فرانسه، اتریش، سویس، ایتالیا، ترکیه و دیگران، بودند که خود را حتی دمکرات تر و آزادتر از آلمان هم می دانستند، اما دمکراسی مورد ادعای آنها در برخورد با منافع اقتصادی به نفع قاتلان تمام شد و

بعد از مدت‌ها کش و قوس بالآخره، دهم آوریل گذشته دادگاه برلین نظر قطعی خود را در باره قتلی که چهار سال پیش در کافه ای بنام میکونوس در برلین افتاده بود، اعلام نمود.

در سال ۱۹۹۲ دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران، دکتر شرفکندي، و همراهان حزبی وی که برای تبادل نظر و گفتگو با افراد سازمان اکثریت و چند تن از منفردین که بیشتر به لحظه سیاسی در خط معروف به استحاله قرار می گرفتند، در کافه‌ای به مدیریت اکثریتی سابق دیگری به اسم غفاری دور هم جمیع می شوند و از قول شاهدان عینی، مدت زمان زیادی از شروع مذکورات طرفین نگذشته بود که تروریست های جمهوری اسلامی طی برنامه ریزی قبلی و در تماس با کافه، براحتی وارد آنجاشده و دبیر کل حزب و همراهان وی را به رگبار گلوله می بندند.

در این ماجراهای جناحتکارانه چهار نفر کشته و چند نفر از جمله صاحب رستوران مجروح می گردند. همان موقع برای هر کسی که اندک شناختی از ماهیت جمهوری اسلامی و عملکردهای چندین ساله آن داشت شکی نبود که این ترور هم مثل ترورهای قبلی از جمله ترور دکتر قاسملو دبیرک وقت حزب دمکرات کردستان ایران در اتریش، دکتر بختار بیبر نهضت مقاومت در پاریس، کاظم رجوی عضو شورای ملی مقاومت در سویس و سایرین با همکاری نزدیکان مقتولین و بوسیله ماموران جمهوری اسلامی و بدستور رهبران طراز اول آن انجام شده است.

این حقیقت برای رهبران دول غرب نیز راز نهفته ای نبود، منتهای مراتب منافع

حدقل به این سادگی بوجود نمی آمدند. اما هیهات که همانقدر آقایان دکتر قاسملو و دکتر شرفکندي با توده های رنجیده مردم کردستان، منافع و آرمانهای آنها پیوند داشتند و یا ببیر اول بودن خود را در انتباقي با منافع و خواسته های توده های حزبی، عملیات پیشمرگان منطبق میدانستند که بقیه.

در اینجا بحث بر سر این نیست که فی المثل اگر طور دیگری عمل می شد، رژیم مدرسه ای ساده بدام تروریست های جمهوری اسلامی گرفتار می شود. ایشان نیز همچون دیگر کل اسبق (آقای قاسملو) دچار توهمندی بودند، بدون تدبیر امنیتی لازم با کسانی به مذاکره می نشینند و به آنها اعتماد می کند که نه تنها اعتباری به مبارزه جدی با رژیم قائل نبودند و در خط استحالة و مذاکره قدم می زندند، بلکه بیش از آن مساله نفوذ ماموران اطلاعاتی رژیم در درون اینگونه محاذ و تشکیلاتها ظهر من الشمس بوده و توسط اعضای خودشان افشاء شده بود (نمونه مراجعته کنید به افشاگریهای بهروز حقی قبل از این ماجرا).

اما بذر و مایوس کننده تر از آن این بود که در مناسبات درونی این حزب، حتی اعضای دفتر سیاسی هم از تصمیم به مذاکره و از مضمون آن اطلاع نداشتند در همان موقع وبعد از آشکار شدن ترور دکتر قاسملو خود به این موضوع اعتراف کرندند (البته از این موارد در سازمان های رژیم و درشت ((چپ)) ((دموکرات)) و ((رفرمیست)) ایرانی نمونه های فراوان است این نقطه ضعف و انحراف تها شامل حزب دمکرات نمی شود) به همین جهت بود که در انتقاد از روش و منش و تفکر این "رہبران" هیچکدام از این سازمانها لام تا کام سخن بر زبان نرانند. چرا که خود نیز آئینه تمام نمای انحرافات مزبور بودند.

درون حاکمیت بوده است. اما برای پویندگان چنین خطی این ضربه نه اولین بود، و نه می توانست آخرین باشد.

هنوز نه حزب و نه پیشمرگان آن و نه کس دیگری پاسخ سوالات فوق را دریافت نکرده بودند که ببیر کل دیگر حزب، آقای دکتر شرفکندي (نه در مقام ببیر کل حزبی در حال جنگ مسلح) بلکه همچون شاگرد مدرسه ای ساده بدام تروریست های جمهوری اسلامی گرفتار می شود. ایشان نیز همچون دیگر کل اسبق (آقای قاسملو) دچار توهمندی بودند، بدون تدبیر امنیتی لازم با کسانی به مذاکره می نشینند و به آنها اعتماد می کند که نه تنها اعتباری به مبارزه جدی با رژیم قائل نبودند و در خط استحالة و مذاکره قدم می زندند، بلکه بیش از آن مساله نفوذ ماموران اطلاعاتی رژیم در درون اینگونه محاذ و تشکیلاتها ظهر من الشمس بوده و توسط اعضای خودشان افشاء شده بود (نمونه مراجعته کنید به افشاگریهای بهروز حقی قبل از این ماجرا).

اما بذر و مایوس کننده تر از آن بود که در مناسبات درونی این حزب، حتی اعضای دفتر سیاسی هم از تصمیم به مذاکره و از مضمون آن اطلاع نداشتند در همان موقع وبعد از آشکار شدن ترور دکتر قاسملو خود به این موضوع اعتراف کرندند (البته از این موارد در سازمان های رژیم و درشت ((چپ)) ((دموکرات)) و ((رفرمیست)) ایرانی نمونه های فراوان است این نقطه ضعف و انحراف تها شامل حزب دمکرات نمی شود) به همین جهت بود که در انتقاد از روش و منش و تفکر این "رہبران" هیچکدام از این سازمانها لام تا کام سخن بر زبان نرانند. چرا که خود نیز آئینه تمام نمای انحرافات مزبور بودند.

بقول معروف ((کوری عساکش کوربیگر)) نمی توانست باشد. چه بسا اگر بجای ندب و زاری بر علی عینی و ذهنی ضربات پرداخته می شد آنگاه ضربات بعدی

"مترقی" درون رژیم می گریند، پیش از این امکان تحولات مثبت و مسالمت آمیز به تو هم پراکنی مشغولند.

درست بر زمینه همین تفکر است که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی نه تنها توانست به اریکه قدرت سوار شود بلکه توانست سرکوب عنان گسیخته آزادیهای بدست آمده را امکان پذیر سازد، زندانها و شکنجه گاه هایش را با انسانها و بدنها شکنجه شده آنها پر کند، طرح اعدامهای دسته جمعی را به مورد اجرا بگذارد، میلیونها نفر را آواره و در بدر سازد و در خارج از کشور نیز رهبران اپوزیسیون خود را بتوسط همین "خط دهنگان" خام نموده و بدام تروریست های خود بیاندازد.

این واقعیتی است انکارناپذیر، که امروز بانگاهی گذرا به ماجراهای میکنوس، برای هر پیشمرگه حزب، هر کرد زحمتکش و هر ایرانی زیر جهنم ارتتعاج حاکم و برای هر روشنگری که خود را به ثمن بخس نفوخته باشد این سؤال مطرح است که چرا ببیر کل حزبی که پیشمرگه های آن در حال جنگ با سربازان جمهوری اسلامی بودند آنقدر به رهبران این جمهوری اعتماد داشت که با خیال راحت (حتی بدون اطلاع اعضای دفتر سیاسی اش) و بدون هیچگونه تدبیر امنیتی در جلسه ای که بتوسط ماموران رژیم (بخوان تروریست های رژیم) ترتیب داده شده بود، شرکت کرد؟ و در تو هم گدایی ((خود مختاری برای کردستان و دمکراسی ایران)) به تیر جفای کسانی دچار شد که ساعتی قبل از صمیم قلب دست آنها را بگرمی فشرده بود؟ از همان پیشمرگه ساده هم بپرسی خواهد گفت: نه آقایان! این مذاکرات (که ظاهرا فقط برای اعضای حزب محرمانه بوده) نه محسول توازن قوانه گرفتن امتیاز جهت تسهیل پیروزیهای بعدی بود، بلکه همانا هدف آماده شدن برای نبال کردن خط استحالة، قائل شدن به وجود جناح خوب و بد

ایران، در دمکرات بودن خود هیچگاه از دایره امکانات زورمندان و طبقات ارتقاضی حاکم فراتر نرفته است، کسانیکه امروز در نقض حق خلقهای ساکن ایران در تعیین سرنوشت خویش، نقض حق رای و انتخاب آزادانه آنها و در تأکید بر تمامیت ارضی و دفاع تا پای جان از آن با شاه و شیخ همنظر و همنفس هستند، دمکرات نیستند و نمی توانند طرف مذاکره، مغازله و بدو بستان کسانی باشند که حتی خواهان خود مختاری سر و دم بریده، برای مردم کردستان هستند تا چه رسید بانیکه خواستار تحقق آزادی و عدالت اجتماعی برای کارگر و زحمکش کرد بوده باشند.

حزب دمکرات اگر حقیقتاً دمکرات است باید از این تفکرات فاصله بگیرد و خود را با منافع و مصالح زحمتکشان کردستان منطبق سازد و بجای دخیل بستن به همچون امامزاده هایی به مبارزه خود این زحمتکشان متکی باشد! درس میکنوس، درس کردستان عراق چیزی جز اینرا ندارد. آرزوی نمی کند. واقعیت اینست که خطری که از آن یاد کردیم بسیار جدی است و جنبش انقلابی را در ظرفیت های متفاوت آن تهدید می کند.

بنابراین، در درس آموزی از ماجراهای میکنوس، وظیفه هر انسان شرافتمند و مبارزی است که با این تفکران به مبارزه برخیزد تنها در نبرد با این خط و مشی های ویران کننده است که جنبش انقلابی دوباره قوام خواهد یافت و پیروزی بر اهriمن ارجاع ممکن خواهد شد.

صاحبان صنایع و روسای شرکتهای بی در و پیکری می بینند که اینها را یک شبه ملیونر خواهد کرد و یا اساساً در خارج کشور در کسب و تجارت "مشروع" و "تامشروع" چنان ثروتی بهم زده اند که منافع خود را با منافع طبقه حاکم و دولت آن یکی می دانند و خواهان تحول اساسی به نفع آزادی و عدالت اجتماعی نیستند.

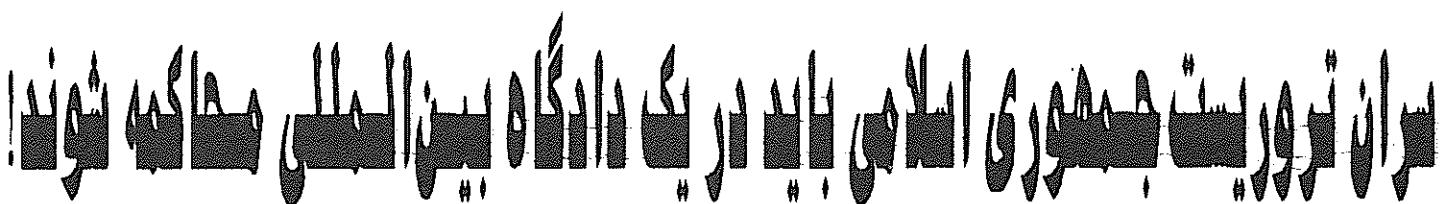
چسبیدن اینها به واژه هایی نظری "مردم‌سالاری" و... جز پوششی برای نیات واقعی آنها چیزی بیگری نیست. آزادیخواهی اینها کشک است. اینها رنسا س خود را در زرورق "مکراسی" و "مردم سalarی" پیچیده اند و در توهم استحاله رژیم جمهوری اسلامی متعاشان را بوسیله روش‌نفرانی که روزگاری خودرا "چپ"، "سوسیالیست" و "کمونیست" می نامیدند در داخل و خارج تبلیغ و ترویج می کنند و عملاً در خدمت سیاستهای ارتقاضی رژیم و ماندگاری آن هستند.

یک بار بیگر نامه فرج سرکوهی را بخوانید، ماجراهای قتل دکتر قاسم‌ملو و شرفکنندی و بیگران را مطالعه کنید! خواهید بید ضرباتی که به ماجراهای میکنوس انجامید در بستر همین تفکرات ممکن شده و ضربات آن تها به از میان رفتن فیزیکی افراد خلاصه نشده بلکه یک جنبشی را به بیراهه کشانده است.

اما آنچه برای حزب دمکرات و اعضای زحمتکش آن در تعمق حول چگونگی پیش آمدن ماجراهای میکنوس یک درس تاریخی محسوب می شود درک این امر است که جناح راست این جنبش که توسط روش‌نفران بنامی هم نمایندگی می شود نه امروز، بلکه طی یکصد سال مبارزه مردم

به رژیم می دهند بر زمینه تبلیغات توامان مراکز حزب الله، عناصر سست عنصر را به هوای "تجات از غربت" و با چشم انداز مدیر کل شدن، کارخانه دار شدن و به آلاف و الوفی رسیدن در داخل، بدام میاندازد و به جاسوسی و آدمکشی و ادارشان می سازند.

واقعیت این است که طی ده پانزده سال گذشته، بخشی از خرد بورژوازی ایران موقعیت خود را در دستگاه دولتی و اقتصاد ایران تحکیم نموده است. بوروکراتها و تکنولوگی‌هایی که در تشید استعمار و چپاول دسترنج مردم، کم کسری از سردمداران حاکم ندارند عمیقاً به ده بیست درصد افراد ثروتمند جامعه و بیسته هستند، اینها بر اساس موقعیت کنونی شان خواهان مشارکت موثر در قدرت سیاسی. اند دعوایشان بالاحکومیت یک دعوای خانگی است و ربطی به مبارزه برای استقرار آزادی و دمکراسی و عدالت اجتماعی در ایران ندارد. این تحولات تاثیر خود را بر اپوزیسیون رژیم در خارج کشور نیز بر جای گذاشته است بخش مهمی از این اپوزیسیون اگر در گذشته هم بدلایلی از منافع اکثریت کارگر و زحمتکش جامعه نفاع می کرند امروزه در نتیجه تحولات جهانی و موقعیت ضعیف جنبش کمونیستی زمینه ذهنی رویکرد کاملاً شان از مردم و نزدیکی بیش از پیش به طبقه حاکم فراهم تر شده است. از آن گذشته طی این ده بیست سال در خارج کشور خیلی ها از فرستاد استقاده کرده با دست یافتن به مدارک بالای تحصیلی، (در شرایط بیکاری و شغل های پایین در غرب) در داخل کشور، خود را در کنار مدیران کل،



بر می‌گردیم گل گله بچینیم

ستون انتقاد و انتقاد از خود

امکاناتی را به وجود آورد تا انتقاد از خود بتواند بطور مرتب و مداوم مج تشكیلات، رهبری و تمام آن کسانی را بگیرد که مرتکب اشتباه و خطأ می‌شوند. ما باید بینیم که در فاصله نشست ها و در عرصه پرایتیک روزمره، کجای کارمان درست بوده و کجا اشتباه؟ چه می‌باشد می‌گردیم؟ و چه نمی‌گردیم؟ انتقاد آزادانه با رعایت اخلاق حزبی، این است مشی انتقادی و روش اصلاح امور از سوی ما. از همه رفقا دعوت می‌کنیم با وجود یک چنین مشی و ابزاری با آثار و عواقب تکرارات گذشته و اشتباهات و انحرافاتی که به نظرشان می‌رسد، بر خورده‌ی جدی بکنند. بجای غر زدن، تبدیل شدن به اپوزیسیون بی‌تأثیر پشت سرگو، هر اشتباه، خطأ و انحرافی را می‌بینند، قبل از اینکه آن اشتباه، آن انحراف و خطأ به عادت تبدیل شود و جزء ساختار فکری و تشكیلاتی در آید، از طریق این ستون به بوته نقد پسپارید تا موقع اصلاح گردد. ما انقلابی ها چه چیزی داریم که باید از دیگران پنهان کنیم؟ آیا برای یک انقلابی خطایی بزرگتر از این هم وجود دارد که به اشتباهاتی که رخ میدهد و آنها را می‌بینند چشم فرویندد؟ و یا به غر زدن، پشت سرگویی و تضعیف تشكیلات انقلابی خود بپردازد؟ نه این خطأ بخشونی نیست. امروز ما کمونیست های جنبش فدایی با درس آموزی از نزدیک به ۲۰ سال تجربه و با توجه به مجموعه تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری می‌باید طوری عمل کنیم که بعنوان کمونیست، برتری های اصول و آرمان هایمان در عمل و در جریان زندگی و مبارزه آشکار شوند. طبقه کارگر و توده های مردم آنرا براحتی جذب کنند و امکان داشته باشند تا بصورت آزادانه و آگاهانه به قضاوت بنشینند و با خاطر تحقق آنها مبارزه کنند. ما بار دیگر از همه رفقا و دوستان و منتقدان خود خواستاریم تا نظرات و انتقاد اشان را در مورد مسائل مختلف برای درج در نشریه برای ما بفرستند.

"ما برای درس آموزی از گذشته و به حداقل رساندن اشتباهات خود و تاثیرگذاری جدی بر حیات سیاسی جامعه، پایه و اساس سیاست کمونیستی خود را بربپایه واقعیات امروزین جامعه تعیین کرده و در پرایتیک روزمره درستی و نادرستی آنها را به محک آزمایش می‌گذاریم و با سبک کاری نوین و با بازنگری مجدد توریها، برای نوسازی، تدقیق و انطباق آنها با واقعیات جامعه و مبارزه طبقاتی کوشش می‌کنیم تا فعالیت خود را بیش از پیش با شرایط جدید و هردم تغییر یابنده انطباق دهیم." - از مصوبات نهمین نشست اتحاد فدائیان کمونیست

یکی از مهمترین مصوبات نهمین نشست ما فرمولبندی فوق است. این فرمولبندی برگرفته از نیدگاه ما نسبت به مارکسیسم و اهمیت دادن به جنبه انتقادی روش ما در نوسازی و وحدت جنبش کمونیستی و بطورکلی مبارزه کمونیستی است. انسان باید در پرایتیک و در عمل، واقعی بودن و درست بودن تکریش را اثبات کند. بررسی انتقادی گذشته نشان میدهد که عدم توجه کافی به امر انتقاد و انتقاد از خود مداوم، به تکرار اشتباهات، به ماندگاری و ریشه دوائلن انحرافات و سترونی برنامه و تاکتیک منجر می‌شود. تکرار اشتباهات در عرصه های مختلف کار حزبی (چه در باره مسائل درونی و چه در امور مربوط به مبارزه و در ارتباط با مردم) ضربات جبران ناپذیری بر جای نهاده است. بدون اینکه هیچ روزنه و ابزاری برای جبران خطاهای وجود داشته باشد.

البته آوردن کلمه انتقاد و انتقاد از خود در اساسنامه هایی که برای خاک خوردن بالای رف خانه ها نوشته می‌شوند کمترین دردی را دوا نکرده و نمی‌کند. انتقاد و انتقاد از خود باید به روش و منش انسان کمونیست و انقلابی تبدیل شود که مدعی نه تفسیر، که تغییرجهان است. اما اگر فکر کنیم که بدون ایجاد ابزار و ملزمات عملی این کار میتوانیم به هدف خود بررسیم، اشتباه کرده ایم. باید ابزارها و

اتحاد فوری کمونیستهای جنبش فدایی، در خدمت وحدت

جنبش کمونیستی و پیروزی طبقه کارگر است.

ما همه رفای کمونیست در جنبش فدایی را به اتحاد فرا می خوانیم.

مسئله آموزش کودکان

تمام قوای احساسی خود بهره جوید. و قوع این تغییرات در محیط اطراف کودک، مغز وی را بیش از پیش تحت تاثیر قرار میدهد. سیگنالها و علامت هایی به مغز فرستاده می شود و به این صورت قدرت دید تکامل می یابد. در مغز کودک صدها میلیارد سلول وجود دارد که برای کاربردهای مختلف تناسب می یابند. برای اینکه تمامی این سلولها بتوانند کار کنند و با یکدیگر همکاری موثر داشته باشند، باید از آنها استفاده کرد، یعنی آنها را تمرین داد. به صورت خیلی ساده میتوان نحوه عملکرد مغز را چنین تصور کرد که هنگامی که کودک با مسئله ای جدید برخورد میکند و خصوصاً زمانی که فعال است و در فعالیتی شرکت میکند، سیگنال های حاوی اطلاعات مربوط به مسئله مورد نظر توسط رشته های عصبی به مغز فرستاده میشوند. تعدادی از این سیگنال ها به یکی از سلولهای مغزی رسیده و اطلاعات مربوطه در این سلول نخیره میشوند. سپس از همان سلول سیگنال های جدیدی از طریق رشته های عصبی به نقاط دیگر ارسال میشود. در خاتمه هر رشته عصبی شاخه های فرعی فراوانی وجود دارد که به سلولهای مغزی دیگری مرتبط میشوند. برای آنکه ارتباط مورد نظر برقرار شود این سیگنال ها باید از یک عصب بگذرند و در این میان پلی شیمیایی بوجود می آید که تها سیگنال هایی را که قوی هستند از خود عبور داده به سلول مغزی جدید منتقل میکند و سلول مورد بحث نیز با دریافت این سیگنال عکس العمل نشان میدهد. هرگاه یک سیگنال از یک شبکه عبور

همه ما جمله های "بین فلان بچه چقدر خوب است و به حرف های پدر و مادرش گوش میکند" را

شنیده ایم. اما در اینجا، گوش کردن به حرف های والدین بار بیگرنم به معنای مباحثه ای سالم و برابر، بلکه به معنای اطاعت و پذیرفتن حرف ها و یا بهتر بگوییم اوامر والدین از سوی کودکان می باشد.

پایه مقالات من شکستن این ایده آل و کمک به ساختن ایده آلتی جدید و مستقل استوار خواهد بود. اما برای گام نهادن در نتیای پژوهیجان کودک، باید نخست با دید کودکان به دنیا نگریست و آنرا تجربه کرد. از این نو نخستین قسمت این مقاله، نحوه تکامل مغز کودک و تأثیرات رفتارهای ما بزرگترها در شکل گیری آینده کودکان را مورد بررسی قرار خواهد داد.

مغز و امکانات چگونگی شکل مغز انسان اصولاً ارشی است، اما ساخت، تکامل و کنترل مغز مسئله ایست محیطی، بین معنا که بستگی به محیط اطراف و روابط اجتماعی انسان دارد. برای اینکه کودک بتواند از امکانات محیطی خود استفاده کند، برای اینکه بتواند چیزی را که می خواهد، انجام بدهد و یا جوابگوی خواست های جامعه باشد، باید مغزش تکامل یابد، و مغز زمانی تکامل می یابد که از آن استفاده شود. اولین مراحل تکامل مغز در درون رحم مادر صورت می گیرد. در همان ایام جنین قادر به شنیدن صدای مادر است. هنگامی که نوزاد پا به دنیا چید می گذارد، در مقابل نیروهای جدیدی قرار میگیرد: دما تغییر میکند، صداها تغییر می یابند، تماس های بدنی صورت می گیرند و برای نوزاد ممکن میشود که بینند و به طور کلی از

با اینکه علم آموزش و شناخت رفتارهای کودکان بنحوی مسئله روز تقریباً همه انسانهاست و با وجود اینکه تحقیقات زیادی در این رابطه بعمل آمده است، اما متاسفانه نتیجه این تحقیقات هیچگاه بصورت اصولی و به زبان ساده در اختیار والدین قرار نگرفته است.

به همین دلیل من طی چند مقاله تلاش خواهم نمود تا اساسی ترین مسائل رفتاری کودکان را با زبان معمول و نه با ترمehای روانشناسی توضیح دهم. امید است که این مقالات بتوانند بعنوان ابزاری در خدمت والدین جهت کمک به شکل گیری شخصیت آینده فرزندانشان قرار گیرد.

بسیاری از ما بعلت کمبود شناخت در مورد رفتار کودکان نقش مثبتی در شکل گیری شخصیت آینده آنها ایفا نمی کنیم. کافی است نگاهی به اطراف خود بیاندازیم. انتظارات معمول ما از کودک چیست؟ کدامین کودک نمونه عالی و ایده آل کودک است؟

مسئله تربیت اصولاً در فرهنگ ما ایرانیان نه بعنوان آموزش و دستیاری کودک بلکه به اطاعت از والدین تقسیر می گردد. نه تنها والدین بلکه تمامی جامعه، کودکان گوش به فرمان والدین را ستایش و تشویق می کنند. هر چند باشند والدینی که کتابهایی نظیر "پی پی جوراب بلند" رانیز برای فرزندان خود بخوانند، اما باید اذعان داشت که شخصیت "پی پی" سالها بدور از ایده آل های والدین ایرانی است.

پی پی جوراب بلند لختی مصمم، مستقل، تنها و سرکش و از همه مهمتر با ایده ها و نظرات مخالف نتیای بزرگتر هاست. در حالیکه کودک ایرانی خوب، کودک حرف شنو و متکی به والدین است.

در باره ضرورت وجود ارگان اطلاعاتی

دست یمیز

سیاسی رژیم، شیوه‌ها و ابعاد نفوذ عوامل و عناصر رژیم در درون سازمانها، تاکتیک تعقیب و مراقبت، چگونگی سازماندهی ترور مخالفین، ساخت و بافت ساواها و... حکم کیمیا را دارد. اینها برای چپ ما موضوعات غریب و ناآشنا هستند که تنها گهگاهی اینجا و آنجا در باره آنها مطالبی به گوششان خورده است. و اگر هم به طور استثنایی لب به سخن در این رابطه گشوده اند، تنها پس از حادث شدن انقاقی بوده است. در حالیکه مبارزه با دستگاه‌های جاسوسی رژیم، افشا و شناساندن عوامل آنها باید سیاست روزمره، مستمر و تعطیل ناپذیر ما باشد. براستی چپ ما در این موارد ضعیف، بی مایه و بی بضاعت است.

چگونگی ضربات خرد کننده رژیم به سازمانهای مخالف، دستگیری و نابودی بخش اعظم اعضای رهبری جنبش، کادرها و مسئولین شعب مختلف، لورقتن چاپخانه‌ها، خانه‌های مخفی و سایر امکانات مالی - تشکیلاتی، دستگیری و اعدام جمعی هواداران، افشاء محل رفت و آمد و تردد فعالین جنبش، تعقیب و مراقبت رابط‌ها و پیکهای سازمانی و به تبع آن بدام اندختن هسته‌ها و تشکل‌های مختلف از جمله تشکل‌های کارگری، همه و همه نه تنها در زیر پرده ای از ابهام باقی مانده اند، بلکه در عین حال با سکوت سوال انگیز تشکل‌های مختلف توأم بوده اند. هیچگونه تحلیلی از علل و چگونگی ضربات و ناکامی‌ها موجود نیست. کوچکترین ارزیابی از سطح و دامنی فعالیتهای نفوذی دشمن و نقش آنها در وارد ساختن این ضربات وجود ندارد. علیرغم همه این حقیقی تأسف انگیز، از قراین و شواهد چنین پیداست که چپ ما هنوز بخود نیامده است و گویا به این زودی‌ها هم چنین خیالی

راقابل درج در نشریاتشان نداشتند. سازمانهای کمونیستی ایران که سالهای است صفحات نشریاتشان را با تحلیل‌های تکراری، متقاض و خسته کننده از دعوای این یا آن ملا، این یا آن جناح حاکمیت سیاه میکنند، حاضر نیستند به درج و تحلیل خبری بپردازند که برای فعالیت سیاسی، تشکیلاتی در ایران اهمیت اساسی دارد. البته که این جای هیچگونه تعجبی ندارد زیرا در نتیجه حاکمیت چنین مغزهایی بر جنبش بود که جمهوری اسلامی توانست چنان ضربات مهک و خردکننده‌ای به نیروهای کمونیست وارد سازد که هنوز هم نمی‌توانند کمر خود را راست کنند.

ندام کاری، سهل انگاری و از همه مهمتر بی توجهی به حفظ نیروهای تشکیلات از طرف این به اصطلاح رهبران، باعث آن شد که بیشمار رفای عزیز و کمونیست‌های بر جسته ای از دامن جنبش ربوده شده و از بین بروند که پرکردن جای خالی آنها برای جنبش کمونیستی امر ساده‌ای نخواهد بود. مروری کوتاه بر نوشتگات سازمان‌های کمونیست بعد از قیام بهمن تابه امروز به عنیه نشان میدهد که این سازمانها در مورد همه چیز صحبت کرده‌اند، الا مسائل امنیتی - تشکیلاتی، آدمی از لجاجت و سماحت لین "رهبران" در نیاموختن به حیرت می‌افتد. چگونه میتوان با مسئله‌ای که هست و نیست تشکل‌ها را رقم میزند، چنین بی تفاوت و منفعل برخورد کرد. بنابراین گزاره نخواهد بود اگر ادعا شود که کمونیست‌های ایران به یک معنا با مسائل و اصول امنیتی - تشکیلاتی بیگانه بوده و هستند. پیدا کردن مطلب یا نوشه ای در نشریات این احزاب و سازمانها در مورد علم اطلاعات، تاکتیک‌های مختلف پاییس

انتشار خبر حزب سازی پیروز دوانی، زیر نظر وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و با حمایت کیانوری و محمدعلی عمومی بار دیگر خبر از توطئه جدید جمهوری اسلامی برای به دام اندختن فعالین سازمانهای کمونیستی و عناصر و محالف منفرد و پراکنده داخل کشور میدهد.

البته این اولین بار نیست که تربیت شدگان مکتب توده ایسم، زیر نظر رژیم‌های حاکم بر ایران دست به ایجاد "تشکیلات" می‌زند.

بدون تربیت همگان با فعالیت‌های تشکیلات تهران حزب توده و مسئول آن عباس شهریاری آشنا هستند. شهریاری در مدت سه سال و چهارماهی که حزب توده را در قبضه قدرت خود داشت، موجب کشته شدن عده‌ای از توده‌ایها توسط سواک منجمله مهندس معصوم زاده، سرگرد رزمی و... و دستگیری گروهی دیگر از آنها از جمله آصف رزم دیده، صابر محمدزاده، علی خاوری - بیبرکل فعلی حزب - و... گردید. بدین جهت رفقاء سازمان او را در کوچه‌ای گیر انداخته و اعدام انقلابی میکنند. این به اصطلاح مبارز بعنوان یک جاسوس بین المللی مرتبط با ک.گ.ب، دستگاههای جاسوسی عراق، سواک شاه و تیمور بختیار، یک پلیش در تهران و پایی دیگر ش در بغداد و مسکو بود.

اکنون اخلاق شهربیاری قدم در راه سلف کبیرشان گذاشته و می‌خواهد "تشکیلات" جدیدی درست کنند. و دریغ و درد که کمونیست‌های ایران چنین بی خیال و آرام از کنار چنین مطلب مهمی میگذرند. تا آن‌جا که ما اطلاع داریم به غیر از سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) هیچ یک از سازمانهای دیگر کمونیستی چنین خبر مهمی

مقابله با رژیم درک نکرده و مشکلات یاد شده را صد چندان می کنند. بدین جهت است که می بایستی نظر این رفقاء را به این مسئله مهم جلب نمود که جنبش انقلابی طبقه کارگر از بدو حرکت خویش، بالاجبار در رابطه با عمل و جاسوسان پلیس قرار می گیرد. دشمن طبقاتی از هیچ شیوه و متدی برای حفظ سیاست سیاسی - اقتصادی خویش و نابودی جنبش کارگری و فعالین آن رویگردان نبوده و خواهد بود. تجارب تاکنونی نشانده این است که بیشتر ضربات واردہ به جنبش از طریق فعالیت های جاسوسی صورت گرفته است.

بدین لحاظ است که لزوم مبارزه با عمل و نفوذی های دشمن احساس گشته است. مبارزه با این مزدوران و ممانعت از خرابکاری هایشان از مهمترین و مقدمترین وظایف ما میباشد و بهیچوجه نباید در انجام آن سستی از خود نشان داد. سستی مساوی است با پرداختن توان سنگین نابودی تشکیلات.

ارتجاع جهانی با استفاده از تحولات تکنولوژیک و ابداعات جدید فنی و با بهره گیری از تحول و گسترش ابزارهای ارتباط جمعی سمعی و بصری، کامپیوترا و انفورماتیک تاکتیک های خود را علیه جنبش بین المللی کارگری گسترش داده و آنرا تا سطح یک علم تکامل داده است.

دشمن طبقاتی با پیشرفت علم و تکنولوژی و با در نظرداشت کیفیت و سطح تکامل مبارزی طبقاتی از اسلوب و روش های بغايت پیچیده و متعدد استفاده میکند.

آنها حزب سیاسی و رهبری انقلابی میسازند، نشریات انقلابی منتشر میکنند و عوامل و پروکاتورهای خود را به درون سازمانها رخنه میدهند. آنها با کمک افراد باسابقه جنبش که با دشمن همکاری میکنند

بقیه در صفحه ۲۲

بایست موجودیت خود را حفظ کند و شرط اولیه حفظ موجودیت، همانا پاسداری از جان رزمندگانی است که حول آن گرد آمده اند. بدون این کار بقا و ادامه کاری سازمانی امری است محل.

از طرف دیگر خون هزاران هزار رفیق جان باخته بر دوش ما سنگینی میکند. ادامه راه آنها و وفاداری جدی به آرمانهای پرولتاریا از ما طلب میکند تا با یک تحلیل جامع و مشخص از علل و چگونگی ضربات، دستگیریها، ناکامیها و در یک کلام از نحوه خرد شدن سازمانهای چپ - از جمله سازمان ما - در زیر ضربات پلیس سیاسی - امنیتی دشمن پرده برداشته شود تا با جمع بندی آنها و شناساندن اشتباهات بخش ها و عناصر مختلف جنبش و تعیین نقاط ضعف و قوت نیروهای انقلاب و ضدانقلاب، ضمن تعلیم و آموزش کادرهای جنبش، ضریب اطمینان خود را بالا برده و درصد ضربات واردہ را به حداقل برسانیم. این تحلیل و جمعبندی هم نمی تواند بطور فردی، پراکنده و با برحسب تصادف صورت گیرد. برای این کار ما به یک ارگان اطلاعاتی نیاز داریم که بطور سیستماتیک و منظم این مهم را انجام دهد. ارگانی که ضمن داشتن تاکتیک و استراتژی خاص خویش، الزاماً می باشد تاکتیک و استراتژی دشمن را شناخته و در مقابل عملکردها و تاکتیک های روزمره، موقعی و هر لحظه تغییریابنده آن، سیاست های مشخصی را اتخاذ نماید. یک سازمان سیاسی بدون بخش یا ارگان اطلاعاتی، بمثابه فردی بدون سلاح و سنگر است که یک نفر اسلحه را از کمینگاه به سوی وی نشانه رفته است.

متأسفانه بعلت ضعف مفرط دانش اطلاعاتی کادرها و فعالین جنبش، این نیروهانه تها هیچگونه احساس مسؤولیت جدی در این رابطه از خود نشان نمی دهند، بلکه هم چنان ساده لوحانه ضرورت چنین ارگانی را در

را در سر نمی پروراند. اگر با این سهل انگاری و بی تفاوتی موجود در سطح جنبش برخورد قاطع نشود، انتظار میروند در شرایط مشخصی از تغییر و تحولات سیاسی در ایران، بخش دیگری از فعالین جنبش، منجمله بازماندگان سازمانهای سیاسی سابق افعال که به هر حال امروزه بخشی از موجودی چپ را تشکیل میدهند، قربانی غرض ورزی، ندانم کاری و ساده لوحی رهبران جنبش خواهند شد. ما عرصه فعالیت های امنیتی را درست در اختیار سازمانهای جاسوسی جمهوری اسلامی گذاشته ایم تا با دست باز هر که را دلشان خواست، در هر کجای جهان بکشند، بریاند و ترور کنند. تشکیلاتی که به جان نیروهایش ارزش میدهد و در حفظ و حراست آنها کوشاست و نمی خواهد از عناصر سازنده اش بعنوان گوشت دم توپ استفاده کند، سازمانی که نمی خواهد شهیدپروری کند، حزبی که به انقلاب کارگری، سوسیالیسم و کمونیسم واقعاً و در عمل وفادار است، مجبور است در باره این مسائل به طور جدی فکر کند.

با "هشدار دادن" به نیروهای انقلابی و فراخواندن اعضای سازمانی به "رعایت اصول اختفایی" نمی توان به جنگ سازمانهای جاسوسی - اطلاعاتی رفت. سازمانهای کمونیستی برای حفظ و گسترش موجودیت سیاسی - تشکیلاتی خود و برای ادامه یک مبارزه موفق با سرمایه، الزاماً می باشد به ابزار، اسلوب و سلاح های دشمن طبقاتی مجهز گردد. بنابراین بدون یک سازماندهی نوین، بدون شناخت تاکتیک ها و عوامل دشمن و راههای مبارزه و مقابله با آنها، ما قادر به ادای وظیفه مان در قبال جنبش انقلابی طبقه کارگر نخواهیم بود.

یک سازمان واقعاً مارکسیستی، برای سازماندهی طبقه، سرنگونی بورژوازی و ایجاد سوسیالیسم، مقدم بر هر چیزی می

مباحثه حول مسائل مبرم روز

کارگران بیکار بدون تشكل و پشتواهه چه باید کنند؟!

خودت نیستی و از آن جز خاطره‌ای باقی نمی‌ماند. البته اگر عضو هم باشی عملکاری برایت انجام نمی‌دهند فقط مفت و مسلم حق عضویت می‌پردازی تا چرخ بورکراسی عریض و طویل اتحادیه بچرخد.

از لحظه‌ای که اخراج می‌شود، آدم بیکاری هستی، حالت بیکاری پیدا می‌کنی، وقتی از همکاران خدا حافظی می‌کنی احساس غریبی

امروزه بیکاری فزاینده در کشورهای سرمایه داری ابعاد وسیعتری بخود گرفته است، میلیونها کارگر درنتیجه بحران سرمایه‌داری، جابجایی سرمایه از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر، استفاده از ربوت‌ها و... اخراج می‌شوند. این کارگران درصورتی که شانسی داشته باشند و قبل از صندوق بیکاری بوده باشند، جند صباخی از حقوق بیکاری استفاده می‌کنند و سپس در شرایطی که هیچگونه تشکی ندارند تا در دفاع از منافع و

خواسته‌های خود اقدام کنند بعد از مدتی دوندگی از این اداره کار به آن موسسه کاریابی، از این کارخانه به آن کارخانه، بالاخره بتیریج از امتیازات شهروندی که در موقع شاغل بودند محروم می‌شوند و بعد از سالها کار و جان کنند به آدمهایی تبدیل می‌شوند مایوس که هیچ جایی در جامعه پنیرای آنها نیست و حتی خانواده،

کوچه، محله و... بیکاری و مشکلات آن مثل کابوسی وی را نبال می‌کند و همچون خوره در خود می‌خورد، آرام ولی وحشتناک. این وضعیت هر چقدر که طولانی می‌شود کارگر به پیری و از کارافتادگی نزدیکتر می‌شود و تا مرگ عملابه انزوا پرتاب می‌گردد...

چه باید کرد؟

اتحادیه‌ها اگر کاری هم انجام می‌دهند، در ارتباط با اعضای شاغل‌شان است، مدامی که عضو اتحادیه هستی، شاید احساس کنی که نیرویی پشت هست که در بروز برخی مشکلات می‌توانی در حوزه کارت به آن مراجعه کنی تا تارفع و رجوع شود. البته در خوبین‌ترین حالت، اما وقتی بیکار می‌شود، اتحادیه‌ها کاری به کارت ندارند، اگر حق عضویت پرداخت بکنی کماکان "اقخار" عضویت در اتحادیه را داری و گرنۀ نامت از لیست اعضای اتحادیه حذف می‌شود و بعد از سالها، دیگر عضو خانواده

جدول میزان بیکاری در اروپا ژانویه ۱۹۹۷

درصد بیکاری	کشور	درصد بیکاری	کشور
۹/۶	آلمان	۳/۴	لوگز امبورگ
۱۰/۲	سوئد	۲/۲	اتریش
۱۱/۷	ایرلند	۵/۸	دانمارک
۱۲/۲	ایتالیا	۶/۰	هلند
۱۲/۵	فرانسه	۷/۲	پرتغال
۱۵/۲	فنلاند	۷/۳	انگلیس
۲۱/۶	اسپانیا	۹/۵	بلژیک

برایت دست می‌دهد، انگار که عازم مکان نامعلومی هستی، مخصوصاً وقتی که از بیکارسازیهای وسیع خبر داری. به اداره کار مراجعه می‌کنی، بعنوان یک فرد بدون پشتواهه و تشكل، با تو برخورد می‌کنند، کاری برایت انجام نمی‌دهند، در نهایت راهیت می‌کنند که بر روی در کارخانه‌ها، شرکتها، با این امید که شاید احتیاج به کارگر داشته باشند.

می‌روی سراغ اتحادیه. پله‌ها را بالا که می‌روی در اطاق انتظار چند نفری هستید ناشناس و دور از هم، هر کس منتظر ملاقات کارمندی هست، انگار که بیکاری درد مشترک مانیست. هر کس منفردا جوابی می‌گیرد یا نمی‌گیرد پا می‌شود می‌رود پی کارش.

نوبت به تو که می‌رسد در دلت می‌گویی، چه کنم؟ کی باید برد من ته‌بارست؟ جواب منفای اسست، درد

بقیه در صفحه ۳۲

شش ساعت کار در روز، دو روز متوالی تعطیلی در هفته

گزارشی از

فرانکفورت آلمان ۶ الی ۹ مارس ۱۹۹۷

کنفرانس بین المللی سندیکاها، اتحادیه‌ها و شوراهای کارگری "راههای بوجود آوردن یک حرکت کارگری جدید در مقابله با تولید لاغر و لیبرالیسم جدید"

■ این کنفرانس رسمًا در تاریخ جمعه ۷ مارس ۱۹۹۷ در فرانکفورت با حضور بیش از ۳۰۰ نفر از نماینگان مختلف شوراهای سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری آلمان و نماینگان اتحادیه‌های کارگری کشورهای مختلف دنیا از جمله لهستان، ترکیه، مکزیک، هند، آفریقای جنوبی، ایتالیا، روسیه، روسیه سفید، کره جنوبی، کانادا، برزیل، فرانسه، آمریکای شمالی، سوئد، انگلیس و نماینگان مهمانی از طرف اتحاد فداییان کمونیست. در آغاز مسئولین کنفرانس بعداز خوش آمدگویی و آرزوی انتقال تجربیات توسط مباحثات مختلفی که درطی کنفرانس صورت خواهد گرفت نمود و بعد از دکلمه شعری بنام زندگی چیست پیام اتحادیه‌های سراسری کوبارادر کنفرانس قرائت نمودند. روز شنبه ۸ مارس نیز قرائت بیانیه سازمان انجام گرفت ...

درطی چند روز کنفرانس، گروههای مختلف بحث و گفتگو و مناظره به همراه نماینده‌گان اتحادیه‌های کارگری کشورهای نامبرده در اطاقها و سالنهای مختلف محل کنفرانس بوجود آمد و بحث‌های مهم و تبادل نظرهای مختلفی صورت گرفت. این کنفرانس درطی تمامی سخنرانیها به ۸ زبان ترجمه می‌شد. در زیر به خلاصه‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

چه چیزی پشت پرده جهانی کردن تولید "Globalisation" خواهد بود؟

جواب اتحادیه‌ها نسبت به مسئله "جهانی شدن سرمایه" و تحلیل اتحادیه‌ها در این مورد چیست؟

جهانی کردن تولید در حول و حوش اتحادیه APEC، NAFTA و EU، بلوک CAMI - کانادا چه اهدافی را پشت سر دارد؟ آینده‌گری و پیش‌بینی مبارزات کارگران و فرم همکاریها و اتحادیه‌های بین‌المللی کارگران در آینده چگونه باید باشد؟

سخن‌نشی

ترکیه: کشور بانیروی کار ارزان برای بازار مشترک یا یک قدرت در منطقه خاورمیانه؟

مکزیک: نیرویی در نفتا و از عجایب بزرگ بسوی نوسان بزرگ؟
کره جنوبی: اتحادیه‌های کارگری زیر فشار سیاسی و سرکوب.
روسیه سفید: آغاز یک سیاست مستقل یا اینکه نزدیکی به روسیه یا ملحق شدن به غرب؟

چه درخواست‌هایی را می‌توان در بازسازی و بازنگری مبارزات کارگری درنظر رفت. طرحها و ایده‌های مختلف در حرکات عملی اتحادیه‌ای کدامها هستند؟

اتحادیه‌ها بعنوان یک نیروی سیاسی؟ آینده اتحادیه‌ها و وضعیت درونی آنها ایجاد اتحادیه‌های جدید بصورت حرکتی از پایین

فرم‌های آلتراپلی سازماندهی از مبارزات کارگران امکانات و راههای مقابله با تولید لاغر و سردمدار بودن صنعت توسط مبارزه شوراهای کارخانه‌ها

آینده سیاست شوراهای چپ کارخانه: تناقضات مابین شوراهای کارخانه‌ها در داخل کارخانه‌ها و سیاست‌های خارج از کارخانه.

پرسه آموزش "ایدئولوژی همکاریهای مشترک" Partnerschaftsideologie

تجربیات و گزارشاتی از برزیل مقابله با تولید لاغر در کارخانه‌های نظیر NAMMI - کانادا مقابله با نژادپرستی در محل کار - کارخانه -

بازسازی کارخانه‌های بزرگ و تجدید سازماندهی آنها کار در سایه - کسانی که مورد حمایت قرار نمی‌گیرند

مشتبه، مارس ۱۹۹۷

موضوع: اتحادیه‌های کارگری بعنوان یک حرکت سیاسی؟ سخنران از آفریقای جنوبی، اسپانیا و برزیل سخنران اول نماینده اتحادیه کارگری آفریقای جنوبی CWIU Abraham Agulhas ... مبارزات کارگری در سالهای ۸۰ و در اوائل دهه ۹۰ یک مبارزه سیاسی را طی کرد و یک سنت و محتوای سیاسی داشت که با ANC ارتباط داشت. سنت دیگر این بود که اتحادیه‌های صنعتی بزرگ قدرت بیشتری در این حرکتها داشتند. اتحادیه‌ها یک نقش مهمی را داشتند و حرکت‌های عظیمی در طی این سالها صورت گرفت. در شرایط فعلی یک بحران و وضعیت اضطراری بین مبارزات کارگری و ANC بوجود آمده است. یک حرکت لیبرالی در بین اتحادیه ایجاد شده بخصوص اینکه یک طرح آلمانی برای این مبارزات درنظر دارند. با توجه به اینکه وضعیت بحرانی فعلی در بین کارگران اتحاد آنها وجود دارد تفرقه بوجود آمد که ANC در اتحادیه‌ها نیز رخنه حتی حرکت کارگری به راست که

حزب کمونیست ممنوع الفعالیت شد. حزب کمونیست مبارزی خود را با حکومت نظامی آغاز کرد. بعد از ۲ سال گذشت از حکومت نظامی یک اعتصاب سراسری و حرکت کاگری و مردمی شکل گرفت که به قیام خونینی انجامید. مبارزی سختی بوجود آمد. برزیل در این زمان ه برابر مفروض تر از سال قبل شده بود و هر سال اوضاع وخیم تر میشد. ۱۹۷۸ مجدداً در منطقی مهمی از سان پائولو اعتصاب سراسری شد. رهبران اتحادیه ها دستگیر شدند، خیلی ها اعدام شدند. اما با این وجود نسل اتحادیه ها باقی ماندند کاگران دوباره به مبارزه ادامه میدهند.

سپس یک سیستم ۲ حزبی بوجود آمد و در طرف مقابل "حرکت دمکراتی" بعنوان اپوزیسیون فعالیت خود را آغاز کرد. بعدها یک حزب کاگری تشکیل شد. ۱۹۸۱ سعی شد یک اتحادیه کارگری جدید بوجود بیاید. در کنفرانسی که به همین منظور شکل گرفت پایه های این اتحادیه ایجاد گشت، ۲ سال بعد از تشکیل این کنفرانس ۱۹۸۳ کوود - چتر اتحادیه سراسری - بوجود آمد. یک عده که استالینیستی بودند ۱۹۸۶ به کوود ملحق شدند اما سه سال قبل حتی با این اتحادیه سراسری نداشتند حتی عده ای از آنها با اتحادیه های زرد کار میکردند.

۱۹۸۲ حزب کاگر اولین بار شهرداری یک منطقه از سان پائولو را بدست آورد و در انتخابات پیروز شد. این منطقه جزوی چیزترین مناطق سان پائولو میباشد که سه چهارم آنرا فقط فقر و کمبود و گرسنگی شکل داده است. که در نتیجه انتخاب استاندار آن از طرف حزب کارگر انتخاب شد. ۱۹۸۶ برای اولین بار استاندار سان پائولو از حزب کارگر انتخاب شد. ما فعالیت خود را برای بدست آوردن نیروی ریاست جمهوری بکار بردیم و میریم. دو سال پیش ۱۹۹۵ اعتصاب کارگران نفت را نبایستی فراموش کنیم. یک حرکتی بود

این حزب بتواند حرکت هایی داشته باشد برای جامعه و برای کارگران. در عین حال زمانی رسید که رهبران اتحادیه ها در مجلس به نمایندگی در آمدند. مراحلی پیش آمد که در مجلس نمایندگان مجلس برسر خیلی از مسائل به جروبحث درآمدند و این باعث شد که احزاب دیگر نمایندگان اتحادیه ها را در لیست مبارزات انتخاباتی قرار ندانند و از آنها حمایت نکرند UTC سال ۱۹۸۸ یک اعتصاب سراسری را علیه حزب حاکم - حزب سوسیالیست - فراخواند. اتحادیه های کارگری همیشه و امروز علیه یک حکومت عقب مانده و ارتجاعی مبارزه کرده اند و امروز اتحادیه ها مبارزه نمی کنند که بعنوان وزیر نماینده به کابینه دولت بفرستند. امروز دیگر مردم همانند سابق حزب تشکیل نمی دهند که به آن رای دهند. ما بعنوان حرکت های کارگری و اتحادیه ای، خواست های سیاسی - صنفی داریم که میخواهیم زندگی کارگران بهبود پیدا کند بالاخره میخواهیم که بعنوان طرف مقابل مذاکرات بپذیرند.

سخنران بعدی نماینده اتحادیه کارگری اسپانیا CNT آقای کارلوس

است. با این وضعیت صحبت این است که کارگران بایستی حزب کارگران را بوجود آورند. به این مسأله اشاره کردم که حرکت کارگری به راست کشیده شده. سرمایه برای نمونه پیسی کولا در مناطق مختلف مشابهی را انجام داده است. پیسی کولا با کشاندن کارگران بسوی خود کارخانه ها را به دست گرفته. این چنین حرکت های مشترکی با سرمایه سابقه نداشته و این وضعیت را نابسامان کرده. وضعیت به راست کشاندن کارگران بدون مقابله پیش نمیرود. کارگران مقابله میکنند. در سپتامبر امسال کنگرهای خواهد بود.

سخنران بعدی نماینده اتحادیه کارگری اسپانیا CNT آقای کارلوس

اسم من کارلوس است در بارسلونا زندگی میکنم در اتحادیه فعال هستم و در بخش بین المللی فعالیت ویژه دارم ... در اسپانیا اتحادیه ها حزب تشکیل نمی دهند، بلکه احزاب اتحادیه ها را تأسیس میکنند. برخلاف انگلستان و یا سایر نقاط دنیا.

CNT از مان فرانکو شروع این قضیه بود. CNT اتحادیه آنارشیست هاست که اوایل وجود داشت. CNT فعالیت عملی

نداشت. در حالی پیش میرود که رهبری اتحادیه بعنوان وزیر به کابینه دولت وارد میشود. چنگ داخلی اسپانیا وضعیت را عوض کرد. اتحادیه ها ضعیف شدند و نتیجه این شد که به مبارزه زیرزمینی روی آورند در اوخر دهه ۶۰ یک حرکت نو و مبارزه ای نو شکل گرفت. مبارزه ای دیگر با وضعیت اقتصادی نو. جامعه وضعیت سیاسی دیگری را بخود گرفت و این حرکت

که من عضو آن هستم در حال مبارزه است و تابه امروز کمیسیون زحمتشان و کارگران را تشکیل داده و به کار ادامه میدهد. ناگفته نیست که اتحادیه های فاشیستی نیز وجود داشتند و فعال بودند. حزب سوسیالیست، ما معتقد بودیم که شاید

برزیل CUT آقای خوزه

... زمانیکه مهاجرین اسپانیایی و پرتغالی به برزیل آمدند م از تجربیات آنها استفاده کردیم و آغاز کار در اویل قرن شروع شد. در حال حاضر ما بایستی بعنوان حرکات کارگری در مقابل به احرکات "نولیبرالیسم" پیش برویم.

یک مدل اتحادیه ای به رسم زمان فاشیستی ایتالیا بود شروع به کار کرد. حرکت فعالیں و مهاجرین اروپایی قصد نفوذ و فعالیت فاشیستی در اتحادیه های برزیل را داشتند. قبل از ۱۹۶۲ یعنی زمان کوتای نظامی، ایتالیا قصد نفوذ در برزیل را داشت چه در نظام اقتصادی و چه از نظم اجتماعی - سیاسی. طبیعی بود آمریکا اجازی نفوذ چنین سیاستی را نمی داد.

در سرزمینی مثل برزیل با این همه فقر و جنایتی که هست نمیتواند خوش را جدا از مبارزی سیاسی کشور بداند. طی چند ماه گذشته ۱۹۵ نفر از رهبران کارگری، از مبارزین کلیسا و از فعالین سیاسی سربه نیست شده اند.

خسرو

ما معتقدیم که بایستی از تجربیات سراسر جهان درس بگیریم. بایستی در حکومت نقش داشته باشیم. بایستی مناطق جدید و جاهایی جدید را در برزیل برای کار توضیحی در شهرداری ها و بخش حکومت بوجود آوریم. زمینداران و مالکان بزرگ زمین در برزیل سخت فعال هستند و دست به سرکوب و سازماندهی باندهای ترور میزنند. ما معتقدیم که یک اتحادی کارگری

که همانند تاچر بر علیه کارگران معدن انجام داد. ۱۹۹۵ نیز دولت مبارزی کارگران برای بدست آوردن حقوقشان را می خواست سد کند. بین حزب کارگر و رهبریت اتحادیه ها اختلاف افتاد که بنحو شدیدی پیش رفت. صحبت این بود که حزب معتقد بود که وقت مناسبی برای این اعتراض تعیین نشده بود.

بیانیه ابراز همدردی و تسلیت به مناسبت زمین لرزه در خراسان

بار دیگر زمین لرزه، هزاران نفر را در روستاهای خراسان در کام خود فرو برد و هزاران نفر را، بی خانمان، مجروح و داغدیده ساخت. بار دیگر هزار هزار انسان زیر آوارها فرو رفته و بازماندگان با غمی سنگین، آواره و بی پناه گردیدند. همانند دیروز، در زمستان کشته در اردبیل و زمین لرزهای روبار، زنجان، طبس و زمین لرزهای سالیان دیگر در فیروزآباد، لار، قزوین و بوئن زهرا ... ساختار زمین شناسی فلات ایران، این سرزمین را زلزله خیز ساخته است. زمین لرزه همانند خشکسالی و سیل، هر از چند گاهی، هزاران انسان، بویژه زحمتکشان و تهی دستان در روستاهای ایران را، به کام مرگ و خانه خرابی می کشاند. این رخدادهای طبیعی، اما در آستانه سال ۲۰۰۰، غیرطبیعی می باشند. زیرا می توان نه تها زمان زلزله را پیش بینی نمود، بلکه با بکارگیری تکنیک هایی ویژه در بناسازی، خانه ها را مقاوم ساخت و از دامنه و ویرانگری این پیشیده کاست. می توان طبیعت را در خدمت انسانها کنترل و مهار نمود. اما سرمایه داران حاکم بر ایران و دولتشان، که جز سود و چپاول به هیچ چیز دیگری نمی اندیشند، برای خویش از دل خانه های خشتی و گلی و آسیب پذیر، سود مافوق بیرون میکشند و برای توده های مردم مرگ و نیستی می آفريند، پس دولت و طبقه حاکم، مانند دیگر فلات های فرود آمده بر توده های ستمکش، عاملین اصلی این فاجعه می باشند.

رژیم جمهوری اسلامی این رخداد را بار دیگر خواست خدا نامید و برای خود موهبتی الهی برای سوء استفاده از کمک ها و همیاری های دیگر انسانها، در ایران و سراسر جهان، برای دزدان و دلالان حاکم، دریچه دیگری گشوده شد. بار دیگر مانند زمین لرزه گیلان و زنجان کمک های رسیده از سراسر جهان از حساب های باندهای حاکم و بازارهای سیاه رژیم سر بیرون می آورند. بنابر این امدادهای فوری تها میتوانند نه از کمال رژیم حاکم و ارگانهای فاسد آن بلکه با اتحاد و همیاری گسترشده با سازماندهی ناظرانی مستقل و بین المللی و با ضمانت اجرایی کارآیی داشته باشند.

ما با اندوهی سنگین جانباختن قربانیان زمین لرزه در روستاهای بجنورد و قاین را به بازماندگان تسلیت میگوییم و در غم و درد جانکاه آنان شریک میباشیم.

اتحاد فدائیان گموفیست

شورای کار

تلاش هست وحدت هنیش کهونیستی ایگا وظیفه برم است

نتایج روند جهانی شدن سرمایه Globalisation و وظایف ما کارگران

شفافیتی که تا کنون نبوده نشده - تضاد کار و سرمایه، تضاد بین توده‌های زحمتکش مردم با منافع متropolی‌ها را به جلو می‌نه رانده است. امروز حضور مادر این کنفرانس بزرگ میان همین واقعیت است که دارد ما را فراسوی تشكلها و ساختارهای سنتی به چاره جویی و امیدارد.

موضوع و تفاوت عبارت از این است که در اینجا بدلیل رشد و تکامل سرمایه و انقلاب عظیم انفورماتیک و میکرولکترونیک و نتایج بالا قابل کارکرد سرمایه در سطح جهانی که عملاً مرزهای زمینی را در هم نور نموده و دلایل دیگر که خود متropolی‌ها و دولتها را بطور مثال در هر سه قطب اقتصادی و در چالش روند منطقه‌ای شدن آن سهیم و شریک نموده است.

رقابت‌های فشرده متropolی‌ها و تراستهای مختلف بین‌المللی را در هر سه قطب می‌توان بطور همزمان ملاحظه کرد. در حوزه‌ای متحدد در حوزه دیگری رقابت می‌کند. شرکت‌ها و تراستهای زیر پوشش متropolی‌ها گاه به رقابت در اردوی یک خانواده و به نابودی یکی به نفع دیگری می‌انجامد. برخی دیگر از اختلافات و کشمکش‌ها از اجتناب ناپذیری تصادم نوع جدید رشد با محورها و نتایج گشته ناشی می‌شود. برخی محصول جابجایی فرم‌های قبلی است که باید بر طرف گرند. برداشتن آنها از سر راه روند جهانی شدن سرمایه کار آسانی نیست.

در کوته مدت تهدیدهای جدی برای منافع فردی به وجود می‌اورند. از آن گذشته هم اکنون اختلافات جدی میان این قطب یا آن قطب دیگر، برخی از متropolی‌ها و یا دولتها این قطب با متropolی‌ها و دولتها دیگر و میان اجزای آنها قابل مشاهده است که از جمله، ناشی از

است، همینطور مجموعه‌ای از نظامهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگ و عادات، سنن و قوانین مدنی خاص که بر متن جوامع مزبور شکل گرفته و آنها را نسبت به هم از خصوصیات ویژه‌ای برخوردار نموده است. به عبارت دیگر هر چند که رشد و تکامل سرمایه‌داری مرزهای زمینی را بی‌معنی ساخته، اما هر کدام از این کشورها از تاریخ خوشن و سنتهای خوشن وارد این اتحادیه ها می‌گردد که به نوبه خود در روند بعدی تکامل سرمایه، منطقه‌ای شدن آن و بحرانها و مشکلات آن در این مسیر تأثیر خود را بر جای می‌گذارد.

ساختار اتحادیه‌ها که در مسیر جهانی شدن سرمایه شکل می‌گیرد، هر درجه از تکامل عمومی کارکرد سرمایه در وجهه مختلف آن از جمله رقابت در تسلط بر بازارها و سبقت گرفتن از رقبا را همچون بحرانهای ذاتی خود به همراه دارد که از جمله موجب ابعاد کشوری، منطقه‌ای و جهانی می‌گرند. معهذا اشتباه است اگر نچار قرینه‌سازی شویم و تصور کنیم که در این شکل و سطح از تکامل سرمایه و شکل‌گیری اتحادیه‌ها در قاره‌های مختلف، رقابت به آن مفهوم که در اقتصاد سیاسی اوایل قرن مرسوم بوده نتایج همسانی را بوجود خواهد آورد. ما کارگران امروز در سراسر جهان با عطف توجه به این موضوع که بروز تضادها و جنگهای منطقه‌ای و جهانی ذاتی نظام سرمایه‌داری است که از رقبتها و بحرانهای ذاتی آن ناشی می‌شود. معهذا در لحظه فعلی پروسه جهانی شدن سرمایه که ابتدا شکل‌گیری مناطق تجاری و پولی را اجباری ساخته و به همراه خود - با سرعت و شتاب و

نوشته زیر تکمیل شده می‌شود که به انگلیسی به عنوان انس اتحادیه‌ها ستدیک‌ها و شوراهای کارکری جیش منعقده در فرانکفورت آلمان به تاریخ ۲۷ مارس ۱۹۹۱ از آتش شد. این کنفرانس پیرامون مبنی مختلف جنبش کارکری مبحث معممی از سوی نمائشکن کارکری کشورهای مختلف امریکا، اسپانیا، روسیه، کانادا، آفریقا، امریکای لاتین، روسیه ارمنی شد که در اینجا به ترتیب ترجمه و منتشر خواهد شد.

رفقای عزیز!

در روند جهانی شدن پروسه سرمایه در حال حاضر، سه منطقه قوی به وجود آمده است. این سه قطب عبارتند از آتا و نفتا در قاره آمریکا، اتحادیه اروپا در غرب و شمال و مرکز اروپا، آسه آن در آسیای جنوب شرقی و مناطق دیگری نظیر کشورهای ساحلی مدیترانه، سازمان کشورهای آفریقا و اتحادیه خاورمیانه و آسیای صغیر که هنوز دارند مراحل مقدماتی خود را طی می‌کنند.

اما این سه قطب قوی در سه قاره متفاوت به وجود آمده‌اند و یا در حال شکل‌گیری و استحکام خود هستند. در عین حال تحولات درونی آنها در حوزه ساختار اقتصادی اجتماعی از جمله بسط انقلاب علمی، فنی و انقلاب نوین انفورماتیک و گریش اطلاعات، تکنولوژی و در هر کدام از این مناطق رشدی نسبتاً متفاوت داشته است.

به عبارت دیگر این تحولات از سرعت شتاب یکسان در این مناطق برخوردار نبوده

بسربعت می‌کاهد، در زندگی واقعی طبقه کارگر و توده‌های میلیونی زحمتکشان نیزنتایج مختلفی را بیار می‌آورد که مابه دلایل محدودیت بحث به نکاتی چند اشاره می‌کنیم تا نتیجه‌گیری خود را روشن تر بیان کنیم. در این محدوده میتوان به:

۱. افزایش قدرت ارگان اجرائی (قوه مجریه)
 ۲. کاهش قدرت ارگان قانون‌گذاری (قوه مقننه)
 ۳. تضعیف مضاعف ارزشها و نقش اتحادیه‌های محلی کارگری
 ۴. شکل رفرم‌های اقتصادی یا عدم امکان رفرم در آن اشاره کرد.
- اولین تأثیر منطقه‌ای شدن سرمایه را در

(وبطور حتم) دگرگونی در ساختار سیاسی و قوانین اساسی کشورهای داخل در این اتحادیه‌ها را با سرعت الزام‌آور می‌سازد. (مدت زمان لازم برای تغییر مواد اصلی قوانین اساسی را کان لم یکن می‌سازد.) همین مسئله چه در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری در اتحادیه اروپا و چه در کشورهای آسیایی و امریکای لاتین ناگزیر تنش‌های اجتماعی را سرعت می‌بخشد و گسترش می‌دهد.

از آن گذشته تسهیل جابجایی سرمایه در روند جهانی شدن، آنها را بسوی یافتن امکانات مناسب جهت سهولت تشدید استشمار و گریز از محدودیت جنبش‌های کارگری کشورها (نمونه اتحادیه اروپا) و

تعارضاتی است که کوشش و اکنшен ساختارهای اقتصادی و سیستم‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای مناطق گوناگون و درنتیجه شکل جابجایی سرمایه در این روند بروز می‌کنند. که در نهایت مجبور به تبعیت از نظام اقتصادی متكامل ترند. بطور مثال هم اکنون ژاپن با ورود (به عبارت دیگر با هژمونی) آمریکا به منطقه جنوب شرقی آسیا چندان موافق نیست. اتحادیه اروپا با وجود تضادهایی که با ژاپن دارد در مقابل نفوذ آمریکا در منطقه آسیا، با ژاپن همداستان است. هرچند که کشورهای مزبور در مقابل با نفوذ فزاینده چین با نیروی کار ارزان، به شاخ آمریکا نیازمندند: از طرفی می‌بینیم که کشور مالتی در حالیکه به اتحادیه اروپا و ژاپن چراغ سیز نشان میدهد خواستار گسترش "بلوک اقتصادی آسیای جنوب شرقی" است. چین می‌خواهد جنوب آسیا و امریکا در اتحادیه همکاری اقتصادی آسیا پاسفیک سهیم شوند. و امریکا هنوز با عضویت چین در سازمان جهانی بازارگانی مخالف است و چین بیش از پیش دست همکاری به سوی روسیه به منظور مقابله با هژمونی آمریکا و قدرت تأثیرگذاری آن در صحنه منطقه و جهان نزدیک می‌شود. از این گذشته مسائل مهمی که در حوزه اقتصادی و سیاسی بروز می‌کنند و با وضعیت فعلی جنبش کارگری گره می‌خورند.

امروز، در حوزه رقبات‌ها، سیستم دستمزدهای متفاوت قوانین کار، نحوه آزادیهای سیاسی، فعالیت‌های سنتیکالی، سطوح مختلف بیمه‌های اجتماعی، ساختارهای محیط زیست و بهداشت محیط کار و... موضوعاتی هستند که از دایره رقابت بین متروپل‌ها و شرکت‌ها در جریان منطقه‌ای شدن سرمایه فراتر می‌روند. مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی بیشماری را بوجود می‌اورند که خود پاسخ به آنها موجد کشمکش‌های جدید می‌گردد. بطوریکه اغلب

پیدا کردن مناطق دستمزد ارزان که در تولید برای صادرات نقش مهمی بازی می‌کند، می‌کشاند. بوجود آمدن مناطق آزاد تجاری متروپل‌ها را قادر می‌سازد تا با تکیه بر سرمایه عظیم و تکنولوژی پیشرفته خود بصورت وسیعی جابجایی سرمایه را ممکن سازد و حیات آنها را در سطح جهان بویژه در مناطق آزاد تجاری در شرایط فعلی بهم بیاند و سرنوشت آنها را در مقابل نیروی وسیع طبقاتی و اجتماعی بهم گره بزنند.

پس اگر به این برداشت برسیم که مصالح و منافع اتحادیه‌های تجاری و پولی مصالح و منافع ملی را زیرگرفته از اهمیت آن



بطوریکه نمونه‌های بارز آن هم اکنون مرگ نولیپرالیسم و مسئله آلترناتیوآنرا در دستور قرار داده است.

این صدالبته شامل تبعات کوتاه مدت جابجایی سرمایه و نیروی کار است. مسئله بیگری که می‌باید در مرکز توجه جنبش کارگری راندیکال قرار گیرد، تناقضات بیگری است که منطقه‌ای و جهانی شدن روند سرمایه عیناً همانی نخواهد بود که فی المثل در اتحادیه اروپا مطرح می‌باشد. بعنوان مثال در چارچوب ورود سوئد به اتحادیه اروپا و شمولیت قوانین این اتحادیه در سوئد، تعرض به صفواف سندیکالی سوئد و تغییراتی در قانون کار این کشور را موجب شد که تشکهای مهندسی را در سطح جنبش کارگری و حقوق بگیران وجود آورد. اما با خاطر وجود اتحادیه‌ها، احزاب، مشروعیت نسبی دولت در افکار عمومی، سنت مجلل‌های در یافتن راه حلها، امکانات رفاهی و کمک‌های اجتماعی... از تشدید تضادها و درگیری‌های اجتماعی وسیع موقتاً هم که شده بود، جلوگیری کرد. هرچند که هم اکنون سازمانهای متعدد کارگری خارج از چارچوب تشكیل‌های سنتی در اعتراض به این تعارضات شکل گرفته و روزبروز قویتر می‌شوند، وجود شرایطی که در بالا ذکر کردیم بالآخره مانع از یک اعتراض خشونت آمیز گردید.

اما همین مسئله در کره جنوبی به تصمیمات خلاف قانون دولت و مقابله نسبتاً خشونت آمیز و میلیونی کارگران منجر شد. تناقضات مزبور اگرچنانکه در کشورهای با سیستم پیشرفت سرمایه‌داری به این اعتضابات، تظاهرات خیابانی (سال گذشته سراسر اروپا را در نورنیید) توأم می‌شد، و گاه دولت‌ها قادر می‌شوند از طریق رفرمهایی چند جنبش کارگری را موقتاً هم شده ساخت کنند. اما در مناطقی نظیر آسیا، آمریکای لاتین، با درگیری خشونت آمیز و سرکوبگریهای وحشیانه

افزایش مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم جهت تأمین کسری بودجه کلان بوروکراسی دولت و اتحادیه‌های بولی، رساندن تولید ناخالص ملی و پایین آوردن بدھی‌های دولت‌ها تا حد تعیین شده در مجلس فراملی و... همه باشار روزافزون دولت بر طبقه کارگر و زحمتکشان مزدگیر جامعه امکان پذیر می‌گردد.

در این میان اتحادیه‌های کارگری سنتی که تاکنون طرف مذاکره اتحادیه‌های کارفرمایها و دولت در محل بوند و برای تحمل برخی رفرمها کوشش می‌کرند، در کارزار جدید ناگزیر طرف دولت، بطریق اولی کارفرمایها را می‌گیرند.

وقتی فشار از پایین شدت می‌گیرد، اعتراض می‌کنند که چرا اینان (اتحادیه‌های کارفرمایان و دولت) خودسرانه دست به این تغییرات می‌زنند؟ حال آنکه توافق سران اتحادیه‌ها اغلب بواسیله دولت جلب می‌شود. رهبران اتحادیه‌های زرد بدون اینکه راه حل معینی برای جلوگیری از تعرض همه جانبیه سرمایه‌داری و بیکارسازیهای توده‌ای ارائه دهند، تنها خواستار مشارکت دادن خود در مذاکرات و تعبات دولت و کارفرمایی هستند. سران بوروکراسی اتحادیه‌ها درست دارند این ادعای کارفرمایان را قبول می‌کنند که

"توپلیپرالیسم به همراه بازار آزاد با جهانی شدن اقتصاد، بخودی خود رفع محرومیت‌های اجتماعی را به همراه خواهد داشت". در حالیکه امروز بشر با گسترده‌ترین فقر و بیکاری فزاینده توده‌ای در سراسر جهان مواجه است.

بیکاری وسیع توده‌ای در اروپا که فقط ۲/۸ میلیون نفر آن کشور آلمان را بعنوان غول اقتصادی شامل می‌شود تازه آغاز کار است. جهانی شدن سرمایه با توجه به محدودیت اقتصاد سرمایه‌داری بیکاری را در سطح جهان گسترش خواهد داد.

بطريق اولی در حوزه اقتصادی منافع مولکلین خود را (حتی با الگوهای ادعایی خودشان هم) نمایندگی کنند.

در حالیکه قدرت اجرایی (قوی مجریه) نه تنها تضعیف نمی‌شود بلکه برای آماده کردن زمینه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و بطور کلی زمینه‌های روساختی و زیرساختی جامعه برای قبول تبعات این تحولات، نیاز به اعمال زور و قدرت بیشتر و متمرکزتری پیدا می‌کند. گاه برای پیشبرد اهدافش که می‌باید ناظر به حوزه‌ای فراتر از حوزه ملی باشد به مشت آهنین نیازمند می‌شود. کره جنوبی در آسیای جنوب شرقی، سوئد در شمال اروپا نمونه‌های قابل تأکیدند. از جمله تناقض در این است که قوانین جاری ناظر بر اتحادیه‌های پولی که متروپل‌های مجزا بتدريج دست بالارا پیدا می‌کند. تسهیل جابجایی است که دولت‌ها ناگزیرند برای تسهیل رقابت سرمایه‌های محلی و یا متمرکز در محل به مشت آهنین متول شوند تا امكان رقابت را که ناچار از سه حوزه، تشدید استثمار، بیکارسازی و کاهش دستمزد و تامینات اجتماعی آن می‌گزد، عملی سازند.

در این عرصه است که مرحله مهمی در تحولات درون کشورها آغاز می‌شود که بی‌شباهت به رفم‌های از بالای دوران گذار جامعه از فنودالیسم به نظام سرمایه‌داری که توأم با اعمال زور بود، نیست. مرحله‌ای که تغییرات مهمی را (سرعت و نه بتدريج) در قوانین اساسی، قوانین کار، قدرت و شمول کارکرد اتحادیه‌ها و تشكیل‌های کارگری و... لزام‌آور می‌سازد، بیکارسازیهای وسیع، بازپس‌گیری دست آوردهای جنبش کارگری در زمینه تامینات اجتماعی،

کار، یعنی شوراهای سنتیکاها که در محل سازماندهی می‌شوند و در سطح منطقه و بین‌الملل متعدد می‌گردند. در برابر استراتژی سرمایه در مسیر جهانی شدن - که از طریق منطقه‌ای شدن پیش می‌رود - استراتژی ما جز اتحاد محکم در سطح بین‌المللی یعنی برپایی انترناسیونالیسم کارگری چیز نیگری نیست. ما در شرایط فعلی علیرغم قدرت عظیم و باوجود تشكلهای وسیعی که در این کنفرانس نیز نمایندگی می‌شوند، اما فاقد تمرکز لازم هستیم.

پیشنهاد ما ایجاد شورایی است متشکل از نمایندگان کارگران کشورهای مختلف که می‌پاییست با سازماندهی کمیته اجرایی در یک کشور و انتشار نشریه‌ای اطلاعاتی اظهار وجود کرده و پیوند تشكلهای موجود را موقتاً "ممکن کند.

ما در عمل از طریق دستیابی به اطلاعات وسیع در عین تمرکز آنها بموضع از جنبش کارگری در سراسر جهان اطلاع خواهیم یافت و "عمتنا" در مبارزه‌تها و اسیر خواهیم شد.

زنده باد همبستگی جهانی کارگران
با ایمان به پیروزی
یدی ۱۹۹۷/۲/۸

آلمان میان همین واقعیت است. وقتی ذغال سنگ‌تنی فرضاً "۲۰ مارک برای سرمایه‌دار آلمانی در لهستان، ۱۰۰ مارک تمام می‌شود. طبیعاً برای سرمایه‌بیکار شدن ۷۰-۷۵ هزار کارگر معدن اصل نیست، اصل استفاده‌ای است که از تنی ۱۵۰ مارک عایش می‌شود. این ۱۵۰ مارک جز از طریق استثمار و بی‌حقوقی کارگران لهستانی از منبع نیگری حاصل ننمی‌شود. پس اعتراض کارگر لهستانی، کره‌ای، ایرانی، ترک اعتراض ما هم هست تها همبستگی با مبارزات کارگران این مناطق و حمایت از آنهاست که دست مارا برای رسیدن به مطالبات خود در اینجا باز خواهد گذاشت، هنوز هیچ ارگان متعددی بطور سنتیماتیک مارادر جریان اعتصابات و اعتراضات کارگران کره یا ایران، ترکیه، مکزیک، ژاپن و آمریکا قرار نمی‌دهد، هنوز خواسته‌های ما در دالان بوروکراسی اتحادیه‌ها وجه المصالحة قرار می‌گیرد، محدودنگری ما بزرگترین اعتراضاتمان را در فرانسه، آلمان، سوئد، ایتالیا، اسپانیا، آلمان، روسیه و... فلجه کرده است.

رقا! حتی انتظار و چشم داشت از اتحادیه‌های زرد که این همه شوراهای آلمان با هماهنگی با آنها راغبند تها با وجود اتحاد و سازمانیابی از پایین است که می‌تواند نقطه ضعیفی از موفقیت را به همراه داشته باشد، اتحاد از پایین در محل

دولتی مواجه خواهیم شد. درگیریها در مناطق مزبور اجتناب ناپذیر است، مانندیاد فکر کنیم که سرمایه‌داری به عقب به مرزهای قدیمی باز خواهد گشت. این فکر ارجاعی را مانندیاد قبول کنیم که تناقضات جدید سرمایه‌داری در مناطق مزبور متروپلهای ادار خواهد کرد تا از بیم و نامنی به سوی مراکز اصلی خود در اروپا و آمریکا و... بازگردند و با غایم عظیم و گرانبهای خود، با مالیدن چربی بیشتر بر نان ماما ماه عسل دوران توهمنات سوسيال دمکراتیک را به ارمغان آورند. سرمایه برای تغییراتی که از آن صحبت کردیم و برای منطبق کردن ساختارهای مزبور با ملتزمات رشد خود دست دول ارجاعی را در منکوب کردن جنبش‌های کارگری و تودهای باز خواهد گذاشت. آنگاه آنچه که مجبورند به جلو مانندیازند را از گرده هم طبقه‌ایهای ما خواهند کشید، با تشدید استثمار، تحمل بی‌حقوقی و... عمل" نیاز سرمایه به کار ارزان را فراهم خواهد ساخت. آنگاه اعتصابات ما جدا از همبستگی جهانی در قلب اروپا نه تنها سرکوب خواهد شد، بلکه بی‌هیچ نیازی حتی به رfrm تعرض به حقوق و دست آوردهای ما ابعاد وسیعی خواهد یافت. سرمایه نبال کار ارزان و استثمار شدید است. حیات و بقای آن به این موضوع بیش از پیش گره خورده است. گزارش وضعیت کارگران معادن در

پنجمین شماره به پیش منتشر شده

برای دریافت کار کمونیستی، به پیش و سایر انتشارات با آدرس‌های ما تماس بگیرید

Karco

Box 10063

400 70 Goteorg

آدرس پست الکترونیکی:

ircmove@algonet.se

سوچه:

آدرس ما در اینترنت

www.fedayi.se

می‌باشد!

در صدد نبود که فکر کند، اگر بنا به ادعای خوش، همه کمونیست هستند، پس وجود انواع این نشیریات و عنایوین مختلف سازمانی و ... به چه معناست؟ و اگر هستیم پاسخمن به این اوضاع چیست؟ البته به نظر نمیرسد وحدت کمونیستی و ... برای این جریانات بطور جدی مطرح باشد، اکثر آنها شیفته رهبران خودساخته و مدام عمر محافظ و فرقه های خویش اند. اینها تا زمانی که در خود انقلاب نکنند انتظار اینکه در انقلاب آتی شرکت فعال و نقشی در خور داشته باشند بعید به نظر میرسد. س.

اتحاد فدائیان گوینیست!
رفقا! مسائلی مرا بخود مشغول نموده که
یکی از مهمترین آنها که بطور گذرا و جزو
مصطفی‌باد نشست نیز بود مربوط میشد به
"انقاد از گذشته" و "بررسی مسائلی که
برسر ما و برسر جنبش سیاسی و مبارزه
ای" چند سال اخیر آمده است.
در این مرحله، در این موقعیتی که ماقصد
بازسازی و نوسازی و "تجدید قوا" را
داریم، در صورتیکه بر سر دو نکته بالا
بطور اساسی و دقیق و آگاه و روشن و رک
و پوست کنده به صحبت تنشیینیم و علنى
آنرا به اطلاع نیروهای مبارز و کمونیست
و عموم مردم نرسانیم، خطابی بزرگ
خواهیم نمود که ما را به ادامه سیاست های
گذشته خواهد لغزاند. بایستی بطور آشکار—
جز مسائل امنیتی — برسر تمام قضایایی
که برما رفت و برسر نیروهای دیگر جنبش
رفته است به بحث نشست و آنها را به نقد و

کنندگان به زبان کردی آشنایی نداشتند ولی سخنرانیها و اجرای مراسم بطور کلی به زبان کردی بود. اکثر شرکت کنندگان منتظر آواز خواننده محبوب خلق کردند انصار رازی بودند و چنین مینمود که اکثرا برای شنیدن آواز و رقص و پایکوبی آمده اند تا گرامیداشت مبارزین پایه گذار کومله، کماینکه وقتی بجای جشن و رقص و آواز برای تظاهرات اعتراضی و یا آکسیون و غیره دعوت به عمل می آید از حضور این جماعت خبری نیست، که البته این مایه بسی تعجب و تاسف است. این موضوع در روحیه برگزارکنندگان نیز بی تاثیر نبود. مثلا برخلاف سابق این بار در سالن چز قطعاتی از شعارها و نوشته ها، از تصاویر رهبران جنبش کمونیستی، از مارکس، انگلیس و لنین خبری نبود.

مارکس، انگلش و لانین خبری نبود.
از جمله پدیده هایی که جلب توجه میکرد
میز کتاب بود، که آدمی میتوانست نشریات
رنگارنگ کمونیستی و غیره را بیند. و با
وجود اینکه جو سیاسی حاکم در حاشیه
سالان، نسبت به سالهای گذشته بهتر شده
بود، و جریانات زیادی از جمله حزب
کمونیست کارگری، هسته اقلیت، شورای
کار، اتحاد فدائیان کمونیست، فدائیان اقلیت،
اتحاد فدائیان خلق، راه کارگر و... میز
کتاب گذاشته بودند و در جشن حضور
داشتند اما جای شور و شوق وحدت طلبانه
خالی بود و هر کس مشغول دفاع از حریم
فرقه خود بود.

باهرکدام که حرف میزدی انگار که
کمونیست یعنی او و فرقه اش، تفکر جزم
گرایانه و ذهنی که هرگونه واقع بینی را از
طرقدارانش سلب کرده است. هیچ کس

بگذار صد کل بشکنند بگذار صد
مکتب با هدر قابیت کنند
هر چند که پیر اسمن اعتقد عمیق ما
به از اشی اندیشه؛ بیان صفات
کار کمینیستی برای انعکاس
نظرات مبحث اتفاقات؛ طرح
های خوانشکان حوز مسان مبرد
جنبش ز جمیعه باز خواهد بود اما با
این وجود صفحه ای تحت این
عنوان در تصریح کرده است که این
اندیشه یکه ممکن است در پیراهن همان
مخالف همچون ما و پیراهن متمی
اندیشند. شو اندیش نظرات خواهان
اصلی خوانشکان نمایه پیراهن
این صفحه همچوین؛ دشیه شریعت
پیراهن شریعت را خوانشکان متن
خود پر قدر ساخته بودند —
باخت.

پیش این مذکوت این صفحه پیر
مشائی مصیع؛ پیراهن مسان
پنکه پیر اسمن کنید بیهوده
در روح خواهند بودند متن پیراهن
نظرات خوانشکان هست
در این متن در مذکوت فضای
جدید به درج شده بجهة پیش از

در حاشیه روز کومله در فرانکفورت ا
روز جمعه چهارده مارس ۱۹۹۷ در شهر
فرانکفورت آلمان جشنی به مناسبت روز
کومله برگزار شد که در آن نمایندگان اکثر
چریانات سیاسی نیز حضور داشتند. البته
علیرغم اینکه این جشن در خارج از خاک
کردستان برگزار میشد و اکثر شرکت

من درخواست این مسئله را از یکای رفقایی که به نحوی از انحصار، به هر شکل ممکن درگیر مسائل گذشته بوده اند میخواهم مطالب خود را حتی به زبان ساده هم شده برای انتشار به نشریه بفرستد! برای کلیه رفقاء آرزوی موفقیت دارم.

زنده باد کمونیسم!
خسرو

پیوستن نیروهای کمونیست به ما باقی نخواهد ماند. پس یکی از وظایف مهم و ویژه ای که در شرایط کنونی بایستی سرلوحة فعالیت‌ها و جزو کارهایمان قرار گیرد این است که در بولتتها و بخصوص بطور سیستماتیک و دائمی بخشی از نشریات سیاسی مثل "کار کمونیستی" و یا "به پیش" مربوط و اختصاص به انتقاد از گذشته و چراغ راه آینده را جزو مباحث خود قرار دهد و در هر شماره زنجیره وار به این مسئله بپردازد.

کنکاش کشاند. بایستی برخلاف جریان‌های دیگر، تکیه گاهی باشیم برای جلب اعتماد نیروهای فدایی کمونیست، نیروهایی که در پراکندگی و گوشنه نشینی بسر برده و یا به مبارزه فردی و غیر منسجم روی آورده اند. در صورتیکه اگر به مبارزه علنى و نقد گذشته و آشکار کردن ایرادات و اشکالات و اشتباها خود نپردازیم، در این بین تعداد محدود رفقاء تشکل خودمان نیز از دست خواهند پرداخت و تکرار اشتباها بقیه ما راه خواهد گرفت، بلکه هیچ اعتباری نیز برای

بیانیه مشترک در رابطه با کارگران زندانی صنایع نفت ایران به احزاب، اتحادیه‌های کارگری، مجتمع و افراد متفرقی و بشردوست سوئیتی

همانطور که مطلع هستید در ۲۸ بهمن ماه ۱۳۷۵ برای روز ۱۷ فوریه ۱۹۹۷ اعتراض کارگران صنایع نفت در مقابل ساختمان مرکزی وزارت نفت ایران با سرکوب نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی مواجه شد و در همان روز حدود ۷۰۰ نفر از کارگران مستگیر شدند. متعاقب آن ماموران اطلاعاتی رژیم به تمامی کارخانه‌ها و صنایع کلیدی پوشش برده و به تجسس پرداختند. سپس لیستی از کارگران را تهیه نموده و شبانه به منازل آنها ریخته و بدون مردک آنها را بازداشت کرده مورد بازجویی و تهدید قرار داند. از طرف دیگر پوشش به روشنفکران و نویسندهان مخالف ادامه دارد فرج سرکوهی و پروین اردلان همچنان در زندان بسر می‌برند، دو نفر از کارگران نفت و یک نفر از نویسندهان زیر شکنجه جان باخته اند. تعداد ۶۴ نفر از فعالیین سیاسی و عده‌ای از مستگیر شدگان شورش اکبر آباد نیز اخیراً به جوخه‌های اعدام سپرده شده اند. در این فاصله دهها انجمن، کانون، اتحادیه، حزب و شخصیت‌های متفرقی و انساندوست جهان نسبت به اعمال سرکوبگرانه جمهوری اسلامی اعتراض کرده و خواستار آزادی بی‌قید و شرط مستگیر شدگان و تحقق خواسته‌های انان شدند.

در شرایطی که مبارزه اشناگرانه در خارج از کشور و پشتیانی افکار عمومی و متفرقی از مبارزات داخل کشور بسیاری از نقشه‌های پلید جمهوری اسلامی را خنثی کرده و باعث رشد و احتلال روحیه مبارزاتی در داخل شده است، در شرایطی که دادگاه میکونوس آلمان در یک اقدام تاریخی و برای اولین بار در جهان رهبران مصدر کار ایران را بنزله قاتل و تروریست محکوم کرده، امری که برای همه چون خورشید روشن بود امروز سندیت جهانی یافته و به اعتقاد عمومی در عرصه جهان بدل شده است. در یک کلام در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی بیش از زمان دیگری در انزوای قرار گرفته است، در چنین شرایطی بلید اعتراضات و مبارزه اشناگرانه علیه جمهوری اسلامی را در حمایت از خواسته‌های مشخص کارگران مبنی بر

- آزادی بی‌قید و شرط کارگران مستگیر شده و سایر زندانیان سیاسی
- آزادی تشكیل‌های مستقل کارگری

ماجرای قراردادهای دسته جمعی و سایر خواسته‌های آنها را تشید نمود بین رو از همه احزاب، اتحادیه‌های کارگری، سازمانها، مخالف و شخصیت‌های متفرقی سوی می خواهیم که ضمن محکوم کردن سرکوب گری‌های جمهوری اسلامی از خواسته‌های فوق حمایت نمایند و از این طریق همبستگی خود را با کارگران، زحمتکشان و روشنفکران ایران ابراز نمایند.

**هواداران چویکهای فدایی خلق ایران - لیبن شوینگ؛
هواداران سازمان کارگران مبارز ایران - لیبن شوینگ؛**

**اتحاد فداییان کمونیست - لیبن شوینگ؛
حزب کمونیست ایران؛
هواداران حزب کار ایران - لیبن شوینگ**

اکبر سه گله ابن ملا فصر الدین

در معرفی خودم:

السلام و علیکم، به من می‌گن اکبر سه گله، از صنف فلزکارم، تا دلتان بخواهد اینور و آنور کار کردم، توی کارخانه‌ها، حلبی سازی‌ها، نقاشی‌ها و... شاگرد گله پز، لوله کش، آهنگر، نفتچی، تراشکار، ...، مقنی شدم، حمال شدم، شعر می‌گم، موسیقی بلدم، و حالا خویستان خدش بزند که چه کاره هستم. خوب آدمهای مختلفی هم دیده‌ام. به سیاست هم البته کار داشتم نه اینکه نداشتم. خلاصه کلام نخود هر آشی بوده‌ام. برای همین هم غیر از زبان فارسی به زبان‌های زنده دنیا، آذری، کردی، بلوجی، لری، و... هم آشنایی دارم. از آن گذشته با زبانهای لاتی پاتی هم آشنایم. گفتم که، با مردم زنده‌گی کرده‌ام. کس شعر گفتن، متنک انداختن... وقتی حرف حسابی نداشته باشم از این جفنگیات کم نمی‌ارم. یعنی سخن می‌گویم به آن زبان که تو دانی!

معلومه که مخلص شما خوانندگان هم هستم، اگر نیشی زدم نمی‌خواهد ناراحت بشید زبان ما همین است، از مقدس ملّتی کی خوش نمی‌آید، راستش عالم نمی‌رسد بیش از اینکه دارم می‌گم، بگم. که امثال تو حالی بشی، آخه حرف زدن داریم تا حرف زدن. اینکه فارسی است، ترکی است، انگلیسی یا... مهم نیست. مثلاً زبان دربار داریم، زبان اشرف هست، زبان سرمایه دار، اونکه تازه به آلاف علوی رسیده، آنکه مشق اشرافیت می‌کنه، اونی که روشنۀ فکریشو مفت بدست آورده، اونیکه کارگر صنعتیه، اونیکه حلبی سازه، خیاط،

در تاریخ صروردت ارگان اطلاعاتی

تفصیلی بر صفحه ۱۱۱

فرهنگی و تأسیسات اقتصادی (اطلاعات)

مبازه‌بی امنی را با جاسوسان و عوامل

نفوذی و بطور کلی پلیس سیاسی دشمن (ضد

اطلاعات) پیش برد.

۶ با کشف و پیدایش شیوه‌ها و متدهای

نفوذی و اخلاقگرانه رژیم، آنها را از طریق

ارگانها و نشریات مختلف سازمانی در

اختیار عموم قرار داد تا در خدمت امر

آموزش و سازماندهی طبقی کارگر و سایر

فعالیت‌جنبش قرار گیرند.

۷ با توجه به خصلت بین المللی مبارزه طبقه

کارگر، مبادرت به همکاری، رایزنی و تبادل

اخبار و اطلاعات با جریانات انقلابی -

کمونیستی در سطح منطقه‌ای و جهانی

گردد.

و جاسوسی جمهوری اسلامی پیشنهاد می‌شود

که از هم اکنون پایه ریزی سازمان اطلاعات

تشکیلات آغاز گردد تا:

۱ سپر امنیتی بدور تشکیلات ایجاد شود.

۲ موجودیت، بقا و ادامه کاری تشکیلات

تضمين شود.

۳ به همکاری با شعب مربوطه سازمانهای

انقلابی - کمونیستی ایرانی اقدام شود.

۴ به همراه آموزش مداوم کادرها، آخرین

دستاوردهای علمی - اطلاعاتی در اختیار

عناصر سازمانی قرار داده شود تا یک کادر

سیاسی در عین حال یک کادر اطلاعاتی نیز

باشد.

۵ ضمن کوشش برای نفوذ در ارگانهای

مختلف رژیم، نظیر مراکز نظامی - سیاسی،

به همراه کادرهای آموزش دیده پلیس بین

الملالی در درون احزاب و سازمانها،

فراسکسیون و جناح تشکیل میدهند، دعوا و

انشعاب سازمانی راه می‌اندازند، خط مشی

سازمانی را تغییر میدهند و ...

بطور خلاصه باید گفت آنها تا نابودی نهایی

بورژوازی و محظوظ کامل طبقات وجود

خواهند داشت. فعالیت پلیس امنیتی کار همان

دشمن طبقاتی است که عناصر مشکلی دیگر

میدانهای مبارزه را فراهم کرده است.

انتربالیستی سوم درجه بشنویزه شدن یک

حزب را به چگونگی مبارزه ای که با پلیس

سیاسی انجام میداد، مشروط کرد.

بنابراین با توجه به حقایق بالا، برای پیشبرد

مبازه سازمانیافتنه با دستگاههای اطلاعاتی

حزب رنجبران، پویندگان راه اتحاد برای آزادی، کمیته مقاومت از کارگران صنعت نفت- هلند، هوداران چریکهای فدائی خلق ایران، حزب کار ایران، سازمان کارگران مبارز ایران، و اتحاد چپ کارگری در برخی از کشورها و شهرها چه با نام و چه با ایجاد کمیته مشترک با رفقاء ما هماهنگی داشتند و یا از اکسیون‌ها اعلام حمایت نموده‌اند. افراد و شخصیت‌های متعدد تریز از این اکسیون‌ها حمایت کردند که ضرورت ذکر نام آنها را نباید.

با درود بیکران به همبستگی جهانی کارگران

لیست ارگانها، اتحادیه‌ها، احزاب و جریاناتی که در جریان وضعیت کارگران ایران و خواسته‌های آنها قرار گرفته‌اند و از مبارزات و مطالبات آنان حمایت کرده‌اند:
لازم به یادآوری است که در این اکسیون‌ها جریانات سیاسی مختلف ایرانی از جمله اتحاد کارگران نقابی ایران (راه کارگر)، حزب کمونیست ایران، آرمان مستضعفین، شورای کار،

Ludwigshafen-Frankfurt-Berlin	IGM Adtranz	Mannheim	Stuttgart	IGM Mercedes
IGM VDO	IGCPK Bayer	Wuppertal	IGM ABB	Speyer
HBV	Bochum	IGM OPEL	PDS-BTG	Berlin
HBV	IGM Blohm+VoB	Hamburg	IGCPK Hoechst	Koln
IGM BMV	IGCPK Bayer	Leverkusen	IGM For	Koln
IGM Mercedes	HBV Neckermann	Frankfurt	IGM Mercedes	Calden
IGCPK Hoechst	IGM Blohm & VoB	Hamburg	IGM ITT Automot	Offenbach
IGM	GEM	Hamburg	IG Med.	Hamburg
IGM Mercedes	IGMed Cine Impuls	Berlin	IGM Hoesch	Koln
IGM Mercedes	IGM Ballerstes	Mannheim	IGM Hoesch	Dortmund
IGM Mercedes	IGM VW	Neustadt	IGM Mercedes	Berlin
IGM Mercedes	IGGM OPEL	Bochum	Kassel	Dortmund
IGM Mercedes	OTV	Hamburg	IGBau	Witten
	Stud	Hamburg	IGM Opel	Freiberg
	DAG	Hamburg	OTV	
	OTV	Bochum-	Hamburg	
Russelsheim	Hanau-Dortmund			
GHK	Paderbrn			
G Guven	KESEK	Bochum=Koln	Bochum&Dortmund	
G Yelmaز	ترکیه	IGM Toyota	IGM Ford	Esslingen
H Lars	Tumtis	I.f.A.rb=Tec	IGM Mercedes	Berlin
H Claude	Volvo	IGCPK Hoechst	IGM Poln-soz.rat	Berlin
I Anatoli	فرانسه	IGCPK Bau	GEW PDS	Erzhausen
K Haruna CIDT	روسیه	Weiler	IGM ITT Automot	Mannheim
K Hwang	فرانسه	IGM Ford	IGM Mercedes	Mannheim
K Elvira	کره جنوبی	Heidelberg-Bielefeld-Bremen	IGM Mercedes	Bremen
L Mara	SCyB	Engel	Koln	
L Carofina	برزیل	Frankfurt-Kassel-Mannheim-Hanau-Si ndelfingen	Frankfurt	
M Jose Santos COR	آمریکا	IGM	IGCPK Bayer	Wuppertal
M Benedicto FAT	مکزیک	Berlin	IGM	Konl
A christph SUD	فرانسه	DGB	&Berlin	
M Kemy BWB	آمریکا	FAU	FO(OSI)	Berlin
M kemj TGVG	انگلیس	Bergzabern	IGCPK	Mettmann
N viktor URIG	مسکو	IGM MAN- Roland	IGM Kleindienst	Augsburg
N kuzmin ASM	مسکو	IGCPK	IGM ITT Automot	Edermunde
Mario FISAG	ایتالیا	IGM	BSE Hochtief	Hamburg
O Dennis DWD	آمریکا	OTV Hamb.Hafen	BSE Telekom	Schwabisch
P Sam SIND	ایتالیا	IGM Mercedes	OTV Lufthansa	Hamburg
sheila	انگلیس	IGCPK BASF	OTV Ubersetzer	Mannheim
C Ernesto COMU FS	ایتالیا	IGCPK Bayer	IGM	Darmstadt
C Kenneth ABVAKAB	هند	Koln-Berlin	IGCPK Wacker Chem	Koln
		IGCPK Merck	IGCPK Wacker Chem	Stuttgart
		IGM Mercedes	IGMed Imprenta	Offenbach
		IGCPK Bayer	IGM (FAJ.Z)	Frankfurt
		Reichshof	IGM (FAJ.Z)	Dusseldorf
			Kassel	
			IGCPK Bayer	Koln

در آخرین فرصت با قیامده از همه احزاب، نهادها، سازمانها و افراد در خواست می کنیم اگر استاد و مدارکی دارند که قابل ارائه به افکار عمومی و ارگانهای صلاحیتدار بین المللی است، برای ما ارمنا کنند.

LO Gavle-Dala
LO Goteborg
Handels Goteborg
Metall Goteborg
Metall Sweden
روز نامه کاگران متال
کارگران ساختمانی بوتیری

دینامیچی

در میکدهای آلمانی، به شام ششم با یک دینامیچی بخوردن استک و پیاز و او خنید و باز گفت ماجراهایی از همسر و کودکانش و مسأله کار و طبقه کارگر... و این خنده مرد کوهواره‌ای بود که زندگی را چیزی پر بار و سرخگون می‌دانست همچون خون، آری لبختهن صدایی در داد چون فریاد پرندگان خاکستری که بالهای پرواز خود در عبور از طوفان شکوهی از شادی را بجا می‌گذارد... خام دینامیچی را در روزنامه‌ها بعنوان دشمن ملت می‌بردند و اندکتد نگاهبانان کلیساها یا مدرسه‌ها تا این برویش بگشته‌اند تا پایان استک و پیاز، سقی نراند از روزها و شنبهای زرف خود بپتروان یک دینامیچی و نتها من، بیلد می‌اورم او را بپتروان توستدار زندگی، توستار کوکان و درستدار همه آنچه ازاد است، آن لحد شاد قیود همه جا

برزیل: Chemiced Tvade Union s Confederation
ترکیه: T. Haber- issindikasi
آمریکا: United Auto Workers AFL.Cio
برزیل: Mercedes Bens.do brazil
آمریکا: International laber resouvc and international Group(ILRIG)
آلمان: IGM Mtal industriansatt I Denmark
بروکسل: مرکز بین المللی اتحادیه های آزاد (FFI)
بروکسل: EFS
زندنو: MEF- Miners European Federation
دانمارک: Dansk Metal arbejder forbund
آلمان: IGBE Industriegewerkschfat Bergdau und Energie Halland اتحادیه متال شماره یک LO جنوب سوئد
کره جنوبی: Federation & Koread Metall workes Trad Union TIE 3.Konferenz
آلمان: MW .AG G Metall
مکریک: Frente Autentico Del Trabajo (OMRS) حزب چپ سوئد - لین شوینگ
سازمان جوانان سویسیال دمکرات سوئد مالمو سازمان جوانان سویسیال دمکرات (اسکونه) دیر اول بخش خارج جبهه آزادی لندنفرزی سوئد I Fackförbundets forbundstyrelse Sverige
اکراین: Automobile and Farm machine- buigding Workoks uniuon
سریلانکا: G.V.D Tilakasiri سریلانکا: Felles forbundet نروژ: ایسلند: Samband indenfeluga
دانمارک Central Organisationen afvhldhfn dhn
استاد داشکاه آمستردام محل اتحادیه های کارکری: Dr.Rob Van Tulder
فرانسه: CGT
نیروی کارگر شعب از CGT
سوعد ابتکار مشترک: Enhetsinitiativet
نقطر سیاسی حزب کمونیست مل سوئد KPM R
De Partament internacional C.O.N.C
AB.C. chemical.s Workers: برزیل Union

لادا: D Brian CAW
ترکیه: D Zeynel Genel
اسپانیا: D Anlonio
ترکیه: D Levent Haberis
روسیه: F Feodor
انگلیس: F Ian
فرانسه: c CFDT
هلند: Rob Van EUR
فرانسه: T Marc CGT
فرانسه: V Carlos CCOO
انگلیس: U DAVID NATFHE
اسپانیا: U ROBIN CCOO
اکراین: Z VLADMIR ELVIA
ترکیه: A Hasan IGM
روسیه: B Segio
هلند: B Hans ABOOPPNY
انگلیس: B Ian TGWU
بلروسی: B Aleksander ASM
ایتالیا: C Bruno AEM
ایتالیا: C Prof
هلند: C Jan
برزیل: P Jereon
برزیل: Q Regina
ایتالیا: R Francisco CUT
ایتالیا: S Giancardo Erasno FISAC
برزیل: S V aller SM do abc
فرانسه: S Patrik CGT
برزیل: S Jaime Santo S Alim
هلند: S Lineke
سریلانکا: T GVD GU.F.L
ترکیه: T Sabri Turntis
آفریقا جنوبی: Victor Ngaleeka
آمریکا: General Education Work
آمریکا: Caroline Lund
هلند: Dr.Rob Van Tulder
استاد داشکاه آمستردام محل اتحادیه های کارکری: Dr.Rob Van Tulder
فرانسه: CGT
نیروی کارگر شعب از CGT
سوعد ابتکار مشترک: Enhetsinitiativet
نقطر سیاسی حزب کمونیست مل سوئد KPM R
De Partament internacional C.O.N.C
AB.C. chemical.s Workers: برزیل Union

منتشر می شود...

کیفر خواست کارگران ایران علیه میران توپریست جمهوری اسلامی به همراه استاد و مدارک لازم در دست منتشر است.

اطلاعه های منتشره از سوی شورای مرکزی اتحاد فدائیان کمونیست

لست. بیکاری میلیونی در اروپا، آمریکا، آسیا و آفریقا رو به لفڑایش است. فاصله طبقاتی روز بروز عمیق تر می شود. جنگ، وکشتار، بگرسنگی، بی خانمانی و آلوگی محیت زیست در جهان بیداد می کند. و بشریت متوجه پیش از پیش در می باید که نظام سرمایه داری فاقد هرگونه آلتربناتیو لنسانی است.

باروند جهانی شدن سرمایه، طبقه کارگر، بیویژه کارگران کشورهای پیشرونه را پیوپانی که سیر توهمند رفمیستی سوسیال دمکراسی و اتحادیه های زرد بودند. به این نتیجه می رسنده که این نظام در آستانه قرن بیست و یکم بحتی ظرفیت پنیرش رفمهای لندک گذشته را نیز از نیست داده است. امروز در میان میلیونها کارگر آمریکا، اروپا، آسیا، آفریقا، مساله سازمان دهی از پاین، طرح خواست های رادیکال، تتفیق شعارهای صنفی و سیاسی و مبارزه علیه بورکرلی اتحادیه ها، به مساله روز تبدیل شد است.

در ایران نیز که تورم، گرانی، بیکاری بیداد می کند، علی رغم جو سرکوب و خفغان حاکم بر جامعه، جنبش کارگری در سال گذشته با اعتضابات متعدد وارد مرحله نوینی از رشد و اعتلای خود شد. اعتضابات نساجی ها، ماشین سازی، فولاد، نوب آهن و سر لجام اعتضابات صنایع نفت، از لفڑایش سطح آگاهی و شکل پنیری کارگران خبر داد.

در اعتضابات دو ماهه آخر سال ۷۵، اعتضابات تظاهراتی کارگران پالایشگاه ها در مقابله ساخته ای مرکزی وزارت نفت در تهران، با سرکوب نیروهای نمیتی جمهوری اسلامی مواجه شد. در این تهاجم تعدادی زخمی و نزدیک به ۷۰۰ نفر از کارگران مبارز سستگیر و روانه زندگان شدند. متعاقب اعتضاب کارگران نفت، کارگران سایر بخش های تولیدی، و صنایع کلیدی در سراسر کشور، مورد یورش نیروهای وزارت اطلاعات قرار گرفتند و در این یورش تعداد زیادی از کارگران سستگیر، لخراج و باز خرید شدند.

تاکنون ۲۷ نفر از کارگران زیر شکجه جان باخته و تعداد زیادی هنسوز در زندگان بسرمی برند.

سال گذشته، جنبش حمایت از کارگران ایران، بیویژه از کارگران اعتضابی صنایع نفت در سراسر جهان، مطالبات طبقه کارگران ایران و سرکوب گری های رژیم اسلامی را به یک مسله جهانی برای کارگران تبدیل کرد و پشتیبانی نمایندگان صدها هزار از کارگران جهان را برانگیخت و سرکوب کارگران در سکوت سرد خلقان حاکم بر ایران را آنطور که رژیم مورد نظرش بوده و هست، غیر ممکن ساخت، و در ایند، نیز تاثیرات خود را بر سطح و شکل تکامل، مبارزه طبقه کارگر ایران بر جای خواهد گذاشت.

با وجود این، هنوز تعداد زیادی از کارگران اعتضابی سستگیر شده در زندگان بسرمی برند، خواست های رفقاء ما مبنی بر حق داشتن شکل

پیرامون حمله اوباشان رژیم جمهوری اسلامی به خانواده شهدا در خاوران،

اول فروردین ماه امسال، خانواده شهدا بیویژه خانواده شهدا که در شهریور ۱۳۶۷ در زندانهای جمهوری اسلامی قتل عام شده بودند، در خاوران تجمع کردند، تا در آغاز سال جدید یاد و خاطره عزیزان خود را گرامی دارند. لما بعد از گذشت ساعتی چند از تجمع مادران، پران، همسران و فرزندان شهدا، مورد حمله اوباشان جمهوری اسلامی قرار گرفت.

آنها که برای برهم زدن لجتمان خانواده ها به شعله دادند و جست و خیز پرداخته بودند، با مقابله خانوادها مواجه شدند و لحظاتی بعد ماموران کمیته نیز به حمایت از حزب الله وارد صحنه شدند. لما خانوادها بدون اعتماد به تهدیدات آنها به برگزاری مراسم خود ادامه داده و در پایان مراسم با پیاده روی تا میدان خراسان به انشای اعمال ماموران جمهوری اسلامی پرداختند.

۱۳۷۶ فروردین ماه

در حمایت از جنبش کارگری، اعتراض به تداوم دستگیریها،
شکنجه وکشتار در ایران بیرونید.

در روزهای جمعه ۲۹ و شنبه ۳۰ فروردین ماه (۱۹ اوییل) در ۱۸ شهر از کشورهای اروپائی دست به اعتضاب غذای فعال خواهیم زد، با پخش اطلاعیه های لشکرگرانه به جلب حمایت احزاب، نهادها، نجمن ها و اتحادیه ها و مجامع کارگری، از مبارزات و مطالبات کارگران و زحمتکشان ایران خواهیم پرداخت.

در پایان کمین، کلیه اعتراضات و اعلام حمایت های دو سه ماهه لخیر را به ضمیمه کیفر خواستی علیه جمهوری اسلامی به لرگاههای صلاحیتدار بین المللی و مجامع کارگری و نفاع از حقوق بشر برای رسیدگی لرسل خواهیم داشت.

بر گرفته از فلسفون اتحاد فدائیان کمونیست
۹۷ اوریل

بمناسبت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۷۶) روز همبستگی جهانی کارگران

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران فرامی رسد. در این روز کارگران چرخهای تولید را متوقف می کنند و با طرح خواست های خود در مقابل طبقه سرمایه دار صفت مستقل و همبستگی جهانی خود را اینمایش می گذارند.

امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه می رویم که نظام سرمایه داری بولسطه (معجزه) باز از آزاد خودجا بحرانهای فرگیرتری مواجه

لیرانیان مترقی و مبارز، لحزاب سازمانها نهادها و جماعتی های مترقی و لنسان دوست!

همانطور که می دانید، طی سال گذشته مجتمع مترقی بین المللی، لحزاب شخصیت ها و نمایندگان صد ها هزار کارگر در سراسر جهان نسبت به سرکوب، شکنجه، اعدام و تداوم تروریسم جمهوری اسلامی باعتراف برخواستند. علاوه بر آن، دهم آوریل نوده و هفت دانگاه بولین سران درجه اول جمهوری اسلامی را به عنوان طرحان و فرمان دهنگان کشتار رستوران میکنوس محکوم شناخت. با وجود این، سرکوبگری های جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. فرج سرکوهی و همکاران وی در زندانند، کارگران سستگیر شده هنوز آزاد نشده اند. تزور، شکنجه و نقض ابتدائی ترین حقوق آزادی های فردی و اجتماعی در ایران ادامه دارد.

تردیدی نیست که هم رژیم و هم حامیان آن در غرب و سایر کشور های جهان که به درآمد سرشار تقدیم ایشان بیشتر می ندیدند تا استقرار آزادی و نمکاری در ایران، متوجه افت رویه مبارزاتی در داخل و خارج کشور هستند تا با لحراف لفکار عمومی و حاکم نمودن فضای سکوت و خمود، به تداوم باز هم بیشتر جو سرکوب و خفغان در داخل و سیاست تزور در خارج از کشور ادامه دهند. و بی شک تها تحد و گسترش مبارزه بر علیه جمهوری اسلامیست که می تواند نقشه های جنایتکارانه آثار اختشی ساخته و مردم را به ادامه مبارزه و مقاومت تا پیروزی لمبیولار سازد، در این راستا!

لخیرآ هیات دیبران کانون نویسندهای ایران (در تبعید) طی فراخوانی روز ۲۴ ماه مه ۹۷ را "روز اعتراض به نگرانی آزاری در جمهوری اسلامی" اعلام نموده است.

ما ضمن پشتیبانی از فراخوان کانون نویسندهای ایران، همه ایرانیان مبارز، لحزاب، سازمانها، و شخصیت های مترقی را به شرکت در این آکسیون اعتراضی فرمی خواهیم و به رفقای خوشنیز توصیه می کنیم در برگزاری آکسیون کانون، فعالانه شرکت نمایند و در حد توان خود از هیچ کمکی به اعضای کانون و سازمانهای این حرکت دریغ نورزند.

۸

۱۳۷۶ آذریهشت

در یک عمل جنایتکارانه، تعدادی از نیروهای حزب دمکرات کردستان ایران توسط ماموران جمهوری اسلامی معموم شدند.

طبق اطلاعیه حزب نمکار کردستان ایران، تعدادی از نیروهای این حزب در سليمانیه توسط مامورین مخفی جمهوری اسلامی مسوم شده اند که جان بسیاری از آنها در خطر است.

ما، این عمل تروریستی و جنایتکارانه جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم و از همه لحزاب، مجتمع و نهادهای مترقی بشردوستی حوصله ایم تا برای نجات جان قربانیان تروریسم جمهوری اسلامی از هیچ گونه کمکی دریغ نورزند،

آوریل ۹۷

مستقل، قبول قرار دادهای نسته جمعی و خواست های دیگر به تحقق نپیوسته است. در چنین شرایطی سالگرد اول ماه مه امسال را باید به مبارزه جهت:

آزادی بی قید و شرط رفقاء دستگیر شده در اعتصابات لخیر حق شکل تجمع، اعتصاب لفزیش مستمردها، کاهش ساعت کارتیبل کنیم. ما در این ربطه تلاش خواهیم کرد تا در حد توان خود، مطالبات فوق وسائل شعارهای مناسب را بصورت تراکت بست شماره رفقاء کارگر و سایر مدافعین جنبش کارگری در ایران بررسیم. در عین حال از طریق فعالیت خود در خارج از کشور، و با جلب پشتیبانی لفکار عمومی و کسب حمایت کارگران سایر کشورها، پیوند عمیق جنبش داخل و خارج کشور را گسترش دهیم، در این ربطه وظیفه ما در خارج از کشور عبارت است از:

لفشای سیاست های ارتقای و کارگر ستیز جمهوری اسلامی و جلب حمایت لفکار عمومی و شکل های کارگری از مبارزات کارگران ایران و مطالبات بر حق آنها، خواست اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از مجتمع کارگری، و شرکت نمایندگان واقعی کارگران ایران در این مجتمع، باید به محور فعالیت ها و تبلیغات در سراسر جهان تبدیل شود.

ما همه کارگران و مدافعین جنبش کارگری را به شرکت فعال در تظاهرات و نمایش های اول ماه مه دعوت می کنیم. به سنگر مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و تحقق مطالبات طبقه کارگر خوش آمدید. ۹ آوریل ۱۹۹۷ ۲۰ فروردین ماه ۱۳۷۶

در آغاز سال جدید، خانه های مردم را در مسلم آباد شهریار

ویران کردند!

رباطی شهردار شهریار، توسط زحمتکشان مسلم آباد کتک

خورد!

روز اول فروردین ماه سال جاری، کارگران وزحمتکشان ساکن مسلم آباد شهریار در اعتراض به ویران کردن خانه هایشان توسط ماموران شهرداری نست به تظاهرات زندند. تظاهر کنندگان که به سمت شهرداری شهریار راهپیمانی می کردند، در خیابان لاله با حمله مامورین کمیته و اوباشان چماقلار شهرداری مواجه شدند، حمله اوباشان جمهوری اسلامی با مقابله مردم مولجه شد.

رباطی شهردار شهریار که در این حمله رهبری چماقلار را باید داشت بوسیله مردم خشمگین کتک خورد.

سرنجام با نخالت مامورین سپاه و عیده و عیده های مقامات رژیم مردم متفرق شدند.

لما تاکنون از تعداد سنتگیر شدگان لحتمالی و سرنوشت خواستهای مردم مسلم آباد خبری در نست نیست.

در حمایت از فراخوان هیات دیبران کانون نویسندهای ایران

در (تبعید) در "روز اعتراض به دگراندیش آزاری در

جمهوری اسلامی" شرکت کنیم

لر تکاب لینگونه جنایات توسط مقامات رسمی رژیم ایران، اولین بار نیست و آخرين بار نیز نخواهد بود. در طول ۱۸ سال گذشته جنایات آشکار و نهان این رژیم هزاران نفر قربانی به کام خود گشیده است.

کسانی که در قبل این جنایات سکوت اختیار کرده و می‌گند، آنها که مماثلات با جمهوری اسلامی را در پیش گرفته و در اطراف این جناح: یا آن: جناح: رژیم به توهم پر اکنی مشغول می‌باشند، بی‌شک در این جنایات شریک بوده، مستشان تا مرافق در خون‌های ریخته شده آلو ده می‌باشد.

ما ضمن تکید بر لشکریهای وسیع و تداوم مبارزه علیه جمهوری اسلامی، از همه لحاظ، سازمانها و نیروهای لفابی و متفرقی و بشر دوست می‌خواهیم تا برای نجات جان زندانیان سیاسی از هیچ‌گونه تقدیمی فروگزار نگند.

۱۳۷۶ فروردین ماه

تظاهرات خیابانی در اصفهان

در پی مسابقه فوتبال قیم سپاهان و بهمن تهران درگیری بین تماشاگران و نیروهای نظم از خیابانی شهر گشیده شد.

در جریان این حادثه جوانان شهر دست به تظاهرات زده، ضمن دادن شعارهایی علیه رژیم با نیروهای سپاه و کمیته به زد و خورد پرداختند. در این زد و خوردها چنین ماشین سپاه و لژگون و به آتش گشیده شد، دهها نفر مجروح شدند و تعداد زیادی دستگیر شده اند.

در جریان این زد و خوردها فرمانده فرمانده سپاه منطقه نیز بوسیله مردم کشیده شد. در حال حاضر از تعداد دستگیر شدگان و مجرموین و کشته شدگان لحتماً اطلاع دقیقی در دست نیست.

۱۳۷۶ اردیبهشت

کارگران دستگیر شده همچنان در زندان بسر می‌برند!

بازداشت‌ها و بازجویی‌ها همچنان ادامه دارند!

چهل روز قبل اعتراضات برحق کارگران صنایع نفت با سرکوب نیروهای جمهوری اسلامی مواجه شد و تعداد زیادی از کارگران دستگیر شدند. تاکنون دو نفر از آنها در زیر شکنجه جان باخته اند و بقیه همچنان در زندان‌های جمهوری اسلامی بسر می‌برند. در طی این مدت علاوه بر دستگیری کارگران اعتصابی صنایع نفت، کارگران مبارز اغلب کارخانجات بدون هیچ دلیل و مدرکی به زیر بازجویی برده شده اند.

طی این مدت علی‌رغم اعتراضات بین‌المللی علیه خوسه‌ریهای جمهوری اسلامی و با وجود اعتراض میلیونها کارگر در سراسر جهان نسبت به دستگیری و سرکوب کارگران ایران، دستگیری‌پی در پی کارگران کماکان ادامه دارد. فراد دستگیر شده همچنان در زندان بسر می‌برند. آنها که بعد از بازداشت‌های موقت آزاد می‌شوند، مورد تهدید و لر عاب قرار گرفته و از کار خارج می‌شوند.

از کوزه همان برون تراوید که در اوست!

بعد از چهارسال کش وقوس، وقتی دادگاه، برلین زیر فشار افکار عمومی و باسنجاد به مدارک و شواهد لکار نایپیر، سران جمهوری اسلامی را بعنوان طراحان و فرمان دهنگان، کشتار میکنونه معرفی کرد. ساده لوحان زیادی بر این باور بوندد که نشست وزرای اتحادیه اروپا تصمیمات سختی در ربطه با جمهوری اسلامی لخاذخواهند کرد، لاما همه آن سرو صدای از برای هیچ بود.

سران اروپایی، متمدن و نمکرت، که قاتلین شخصیت‌های لوزیسیون جمهوری جهل و جنایت رایکی پس از بیگری روله ایران می‌گردند تا در لباس وزیر و سفير به محل های مأموریت شان باز گردند هر گز نمی‌توانستند، موضعی قاطع در برای تروریسم جمهوری اسلامی و سران قائل آن که جرم‌شان توسط دادگاه های خوشان تائید شده بود، اتخاذ کنند. جراحت آنها خود را با اقلیت استمارگر و چپاولگر حاکم بر ایران شریک و سهیم میدانند. هرگز بر علیه منافع چپاولگره خود قدم نخواهند کرد. آنها نه تنها هیچ‌گونه تصمیم مهمی در ربطه با تروریسم جمهوری اسلامی اتخاذ ننمونند، بلکه شتابزده تر از آنکه خانه‌ای تروریست و رفسنجانی همکاری پیش بینی می‌گردند سفرای خود را به ایران باز می‌گردانند، طبعاً دست ماموران مخفی و تروریست رژیم را هم در شکار نیروهای لوزیسیون در خارج از کشور باز خواهند گذاشت.

لين نیز درمن بیگریست برای مردم ایران و لوزیسیون لقبی آن که تهاوتها از طریق تحداد و شدید مبارزه است که پیروزی بر اهربیمن ارجاع و توحش ممکن خواهد شد و نیز درست برای آنها یکه باین گونه امام زاده ها تخلیه می‌بندند، نیرو و نزدیکی و لمکانات خود را جمهوری اسلامی گدایی از کسانی می‌گند که در کمک به رژیم در سرکوب جنبش لفابی تربیدی بخود راه نداده و نخواهند داد.

از کوزه همان برون تراوید که در اوست!

۱۹۹۷/۲/۳۰

مدیر انتشارات ابتکار و بامداد زیر شکنجه به قتل رسید!

طبق اطلاعیه کانون نویسندهای ایرانی در تبعید، جسد شکنجه شده ابراهیم زال زاده مدیر انتشارات ابتکار و بامداد در بیانهای اطراف تهران کشف شد.

ابراهیم زال زاده روز سوم سفند ماه ۱۳۷۵ زمانیکه برای خرید گل از منزل خارج شده بود توسط ماموران امنیتی رژیم ربوده شد. ماموران اطلاعاتی رژیم از خانواده وی خواسته بوند که از اعلام خبر دستگیری خود داری کنند.

کشته شدن زال زاده در زیر شکنجه مامورین جمهوری اسلامی در شرایطی به وقوع می‌پوندد که هنوز از سرنوشت فرج سرکوهی و هم کار وی پرونده ازدلان، هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست و کارگران اعتصابی صنعت نفت و سایر کارگران دستگیر شده نیز هم چنان در زندان به سر می‌برند.

بار دیگر مخالفت خود را با کلیت رژیمی که سران آن به عنوان قاتل و تروریست در ننیا شناخته می‌شوند، اعلام خواهند کرد.

کارگران و زحمتکشان!

در لنتخابات فرمایشی شرکت نکنید!

نتها با تشید مبارزه با کلیت رژیم و اقلیت استثمارگر و ستگر حامی آن است که افق پیروزی نمایان خواهد شد.

فراخوان به آکسیون سراسری در دفاع از جنبش کارگری و در اعتراض به تداوم دستگیری‌ها، شکنجه و کشتار در ایران

روزهای جمعه و شنبه ۲۹ و ۳۰ فروردین ماه ۱۳۷۶

ایرانیان مبارز مقیم خارج کشور، لحزاب، سازمانها، مجتمع و فراد مترقی و بشردوست!

همانطور که مطلع هستید، در ۲۸ بهمن ماه ۱۳۷۵ اعتضاد کارگران صنایع نفت در مقابل ساختمان مرکزی وزارت نفت با سرکوب نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی مواجه شد و در همان روز حدود ۷۰۰ نفر از کارگران دستگیر و روانه زندانها شدند. متعاقب آن ماموران اطلاعاتی رژیم به تمامی کارخانه‌ها و صنایع کلیدی پورش برده و به تجسس پرداختند. سپس لیستی از کارگران را تهیه نموده و شبانه به منازل آنها ریخته و بدون اراده مدرك آنها را بازداشت کرده و مورد بازجویی و تهدید قرار داند. از طرف دیگر پوشش به روشنفکران و نویسندهان مخالف نیز کماکان ادامه دارد.

فرج سرکوهی و پرونین از دلان همچنان در زندان به سر می‌برند. دو نفر از کارگران نفت و یک نفر از نویسندهان زیرشکنجه جان باخته‌اند. و ۸ نفر از فعالین سیاسی و تعدادی از دستگیرشدگان شورش اکبر آباد نیز لخیر آبه جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند.

در این فاصله دهها نجمن، کانون، تحادیه، حزب و شخصیت مترقب و نساندost در سراسر جهان، نسبت به اعمال سرکوبگرانه جمهوری اسلامی اعتراض کرده و خواستار آزادی بی قید و شرط دستگیرشدگان و تحقیق خواسته‌های آنان شده‌اند.

در شرایطی که مبارزه لفشارگرانه در خارج کشور و جلب پشتیبانی فکار عمومی و مترقبی جهان از مبارزات داخل کشور، بسیاری از نقشه‌های پلید و توطئه‌گرانه جمهوری اسلامی را خنثی کرده و باعث رشد و اعتلای روحیه مبارزاتی در داخل شده‌اند. رژیم جمهوری اسلامی از هر خلاء و سکوت و سکونی برای خنثی کردن مبارزات و فعالیت‌های مذکور استقاده می‌کند تا به سیاست سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام ادامه داده، جو خفغان در داخل کشور را تشید کند. از این‌رو در تداوم مبارزه عليه جمهوری اسلامی، در حمایت از خواسته‌های کارگران مبنی بر:

آزادی بی قید و شرط کارگران دستگیرشده و سایر زندانیان سیاسی، آزادی شکل‌های مستقل کارگری،

اجرای قراردادهای نسخه جمعی و سایر خواسته‌های آنها

در وضعیت فعلی، جمهوری اسلامی نه تنها از قبول خواسته‌های کارگران سر باز می‌زند بلکه قصد دارد تا با تشید فشار و خفغان دست به ایجاد تغییرات مهمی در ترکیب و محل کار کارگران بزند.

در چنین شرایطی وظیفه همه ما کارگران، زحمتکشان و روشنفکران مترقی است که برای آزادی بی قید و شرط تمامی دستگیرشدگان برای حق شکل، حق اعتضاد و تحقیق سایر خواسته‌های خود به هر طریق ممکن دست به اعتراض بزنیم.

وظیفه دیگر بر عهد، جوانان، دانشجویان، دانش آموزان و کارگران بیکار است که با تشکیل کمیته‌های مخفی دفاع از کارگران در محلات، مدارس، دانشگاه‌ها و با پخش شب نامه‌ها و سازماندهی تجمعات تاکتیکی در مراکز پرورفت و آمد، به توضیح وضعیت کارگران و خواسته‌های آنها پیردازند و مردم را به پشتیبانی از مبارزات کارگران فراخوانند.

از طرف دیگر لیرانیان مبارز و لحزاب و سازمانهای سیاسی فعال خارج کشور، با گسترش کارزار لفشاری لفشاری دستگیر شکنجه و دفاع پیگیر از مبارزات کارگران و زحمتکشان داخل کشور است که ارتباط مادی و معنوی مبارزات خود با داخل کشور را تامین خواهد کرد.

ما بار دیگر همه لحزاب، سازمانها و مجتمع متفرق فعل خارج کشور را به اتحادی گسترش ده در دفاع از مبارزات کارگران فرامیخواهیم.

یک لحظه تعلل و سستی در دفاع از مبارزات داخل کشور، دست رژیم جمهوری اسلامی را در رسیدن به اهداف سرکوبگرانه خود باز خواهد گذاشت.

می‌باید با تلاش‌های پیگیر خود لفکار عمومی متفرق جهان را متوجه اوضاع لیران کنیم و با مراجعت مجدد به لحزاب، سازمانها، تشکلها و مجتمع کارگری به آنها توضیح دهیم که کارگران دستگیر شده آزاد نشده‌اند و دستگیریها کماکان ادامه دارد. باید لآنها بخواهیم تا برای آزادی بی قید و شرط دستگیرشدگان و تحقیق خواسته‌های آنان، جمهوری اسلامی را تحت فشار قرل دهند.

۱۳۷۶

در باره انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری

دوم خرداد ماه لمسال نمایش انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌گردد. درجهنم جمهوری اسلامی هر چهار سال یکبار از سوی سری‌داران اصلی رژیم، سه چهار نفر بعنوان کاندید رئیس جمهوری شدن، تعیین می‌شوند تا بعد از چند روز فحاشی به همیگر، آنکه از لبدا مورد نظر حضرات بوده است از داخل صندوق‌ها بیرون بیاید و چهار سال رل ریاست جمهوری برای مردم را بازی کند. نام این شعبده‌بازی را هم می‌گذارند "از ادنی‌ترین انتخابات ریاست جمهوری در ننیا"! از هی‌بسی شرمی! کسانیکه با سرکوب، زندان، شکنجه، قتل و کشتار و باسلب ابتدا ترین حقوق و آزادی‌های سیاسی، فرهنگی و... رتجاع قرون وسطی را بر مقدرات مردم حاکم گردانیده‌اند، مدعی هستند که انتخابات ریاست جمهوری شان "از ادنی‌ترین انتخابات در ننیا"! لاما لکثیرت مردم لیران یعنی کارگران و زحمتکشان جامعه با عدم شرکت در انتخابات فرمایشی

- حق داشتن شکل مستقل کارگری و حق اعتصاب
 - حق دستن قرار دادهای سنته جمعی
 - افزايش دستمزد
- شند.

به ضميمه لين اطلاعيه بخشى از بيانيه هاي حمايتى احزاب و شکل
های کارگری را در اختیار خبرگزاریهای جهان قرار میدهیم.
رفای کارگر!

ماتلاش خواهیم کردتا ارتباط با شکل های کارگری و احزاب
و شخصیتهای متفرق جهان را در حمایت از جنبش کارگری لیران به
یک لمر دائمی تبدیل کنیم.

لما آنچه مسلم است تها شدید مبارزه پی گیر خود ما کارگران است که
هم پشتبانی زحمتکشان داخل کشور وهم حمایت میلیونها کارگر در
سرنجان راجلب و زمینه پیروزی نهائی بر رژیم جهل و جنایت
جمهوری اسلامی را ممکن خواهد کرد.

پس اول ماه مه (یازده لریبیشت) روز جهانی کارگر را به شدید مبارزه
علیه جمهوری اسلامی و تحقق خواسته های خود تبدیل کنیم.
اول ماه مه نود و هفت بر لیر با (یازده لریبیشت هفتاد و شصت)

به اطلاع عموم می رسانیم که پیرو فراخوان ۹۷/۲/۷ آکسیونهای
اعتراضی سراسری در روز های ۱۸ و ۱۹ آوریل در کشورهای
آلمان، هند، بلژیک، سوئد و فرانسه و در شهرهای
برلین، فرانکفورت، ویس بادن، هانوفر، برانشوایگ، مانیز،
النبرگ، هاینبلبرگ، دارمشتاد، استکلهلم، یوتبوری، مالمو،
لینشوبینگ، لویش، پاریس، آمستردام، بروکسل برگزار خواهد
شد.

همانطور که در اطلاعیه های قبلی اعلام گردید. در پایان آکسیونها، کلیه
اعتراضات و اعلام حمایت های دو سه ماهه لخیر به همراه اسناد
و مدلک لازم به ضمیمه کیفر خواستی علیه جمهوری اسلامی به
ارگانهای صلاحیت دار بین المللی و مجامع کارگری و دفاع از حقوق
بشر برای رسیدگی لرسال خواهد شد.
لازم به توضیع است که در برخی از شهرهای کشورهای آلمان، هند
وسواد آکسیون در تحادع عمل با سایر جریانات انجام می شود.
به آکسیون حمایت از جنبش کارگری و در اعتراض به تداوم سرکوب،
شکنجه و اعدام در لیران بپیوندید.

۹۷-۱۶ فروردین ۷۶

۱۶ نفر از کارگران تراکتور سازی تبریز بازداشت شدند.
بیش از ۱۶ نفر از کارگران کارخانجات تراکتور سازی تبریز به لتهام
لخلال در نظم و تحریک کارگران، ستگیر و روانه زندان شدند.
لین قدام سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی در حالتی که هنوز دهها
تن از کارگران صنایع نفت و سایر کارگران ستگیر شده در ماههای
گذشته، همچنان در زندان بسر می برند، تظاهرات کارگران کارخانجات

روزهای جمعه ۲۹ و شنبه ۳۰ فروردین ماه (بر لیر با ۱۸ و ۱۹ آپریل) در
۱۸ شهر از کشورهای اروپایی است به اعتضاب غذای فعال خواهیم زد

در این روز با مر لجه به اتحادیه های کارگری، احزاب، سازمانها،
نهادها و شخصیت های محل کار و زندگی خود به آنها توضیح خواهیم
داد که کارگران ستگیر شده هنوز آزاد نشده اند، روشنفکران در زندان
به سر می برند، شکنجه و کشتار ادامه دارد، سازماندهی مرکز
تروریستی برای تزور مخالفین در خارج از ایران بوسیله جمهوری
اسلامی گستردن یافته است.

از آنها می خواهیم که به هر طریق ممکن حمایت شان را از خواست
کارگران و روشنفکران اعلام کنند. خواستار آزادی بی قید و شرط
کارگران ستگیر شده در اعتضابات لخیر، آزادی فرج سرکوهی و
دیگر زندانیان سیاسی لیران بشوند.

ما از همه احزاب، سازمانها، مجامع، مخالف و شخصیتهای متفرقی و
بشردوست لیرانی نیز می خواهیم در این روز با اقدامات خود علیه
سرکوبگری های جمهوری اسلامی، ولو در حد بیان اعتراض و جلب
پشتیبانی لفکار عمومی به کمپین سراسری مبارزه با خوسری های
جمهوری اسلامی و دفاع از کارگران بپیوندد.

ما همه احزاب، سازمانها، مخالف، کانونها، لفرد و شخصیتهای متفرقی
لیرانی را به حرکت مشترک در این روز فرامی خواهیم و می خواهیم تا
برای هماهنگی سازماندهی مشترک تحادع عمل وسیعتر با ماتمام
بگیرند.

از آکسیون مشترک پشتیبانی و با نام خود در آن شرکت کنید. نتایج
فعالیتهای خود را برای جمع بندی مشترک به ما ارسال کنید. کمپین
مشترک ما می تولد لفکار عمومی جهان را به تکان و ادلر و تاثیر خود
را بر سرنوشت زندانیان سیاسی، اوضاع داخلی کشور و جنبش کارگری
بر جای بگذارد.

ما در پایان کمپین کلیه اعتراضات و اعلام حمایت های دو ماهه لخیر
را به ضمیمه کیفر خواستی علیه جمهوری اسلامی تنظیم نموده و به
ارگانهای صلاحیت دار بین المللی، مجامع کارگری و دفاع از حقوق
بشر برای رسیدگی لرسال خواهیم کرد.

۱۳۷۶ فروردین ۱۴۹۷/۳

در آستانه اول ماه مه، میلیونها گارگر از خواسته های کارگران
صنایع نفت و سایر کارگران حمایت کرند.

به کوشش اعضای سازمان تحادع فدائیان کمونیست در خارج کشور، در
آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر، شکل های میلیونها کارگر در
سراسر جهان به همراه مجامع متفرقی و تنسانوست، در جریان خواست
های کارگران و سرکوبگریهای رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته و با
رسال اعتراض نامه هایی به رژیم حاکم بر لیران خواستار:
- آزادی بی قید و شرط ستگیر شده گان

از اعتراضات و اعتصابات کارگران فت ایران

دفعه گنیم

خبر اعتضاب یکپارچه و متحد پالایشگاههای فت ایران، روز ۱۷ فوریه ۱۹۹۷ در مراکز جهان پخش شد. کارگران با این اعتضاب، اعتراضی ۵۴ ملتها قبیل بیصرورت اخطارهای مکرر به رژیم سلطنتی داری و ضدکارگری جمهوری اسلامی ایران اغزار گردید. با اطراح برخی مطالبات تکمیلی و عادلانه خویش "مبتنی بر بیانیه های سنته حرمی، و متعیت سمه در متنی، اعطایی و لم مسکن، طبقه بندی مشاغل" و ... به میدان آمده و حکومت اسلامی را به مدت طی میاندازد. رژیم اسلامی که نسلما طبقه ای بینام کلوچور را که تولید و شریف جامعه حاصل مستقیم اوتست به مردمیت، من شدید در اغزار سکر اعتصاب کارگران مدتی تبت شد و ملیکه کوشید تا این اعتضاب را بی اهیت جلوه داده و می خواهد خیار آن یکفرماد، اما اعتضاب یکپارچه کارگران، لذکر آن بر مبنای های خلخالی موقوف گردید. سختگیران خبره خواه رژیم سلطنتی جنبش خودی را اتفاق دادند و سکر بگردید "خبر جیسن ایونه، همها... هنر اعتضاب در ۱۳۷۶ ساعت پر سر کار خود را گفتند". مطلق اخبار رسیده از این تهمها از کارگران اعتضاب فت خورد و خوریدی اسلامی هر کارگران را خسارت داد و می خواهد آن را بمنظمه مزبوران سلطنتی ساختگیری و تزلف اتفاق نماید، هم گذون از مردم نوشت آنها همچو خبری نز نهست مدت پیش از اینجا راه امروزه در این فریادهای کارگران در بالای کاخهای فت ایران باشند و حین پالکشان امیجهه می خود. پیش اینست این حق ملکه کارگران نظاهرات و ختن اعتصاب است. تیرانش فت ایران، شکری سلطنتی و می خواهد رژیم قریب و قوشش ستد. می خواهد این را با این اتفاق ستمش و این ستمت های صد کارگران خود ملکه دهد و بقای ستمش و این سرکوب کارگران را و تضليل می بیند با این اتفاق ستم از سرکوب کارگران بالای کاخهای فت ایران بخاطر خشم و بدگش است. این اتفاق را به گوش چهارمیان برسانم. پیش از این میارزانت کارگران بالای کاخهای فت ایران سر نگرفتند بلکه دیگم خست کارگرانی جمهوری اسلامی

و زندگان آزادی را در این کاخهای فت ایران می خواهند. (۱) دوادارانه چون ملکه این کاخهای فت ایران می خواهند که کارگران مسلمان ایران - مؤمنین خود که ایرانی هستند - اتحاد ملکه ایران - اتحاد ملکه اسلامی است. (۲)

رویوش ایران در هفته گذشته سرکوب شد و تلاشها بین المللی برای آزادی کارگران سستگیر شده و تحقق خواسته های آنها بجای نرسیده است.

ما بار دیگر از همه احراب، سازمانها و شکل های کارگری و لساندوست خواستاریم که به کوششها خود جهت آزادی کارگران سستگیر شده و تحقق خواسته های آنان ادامه دهد.

۱۳۷۶ زوئن ۱۹۹۷ بر لبر باع خرد داد ماه

اعتصاب یکپارچه کارگران خام باف اصفهان

در پی لخراج بیش از ۶۰ نفر از کارگران کارخانجات ریسنگی و بافنگی خام باف اصفهان به بهانه تهدیل نیروی کار انسانی، روز پنج شنبه هیجدهم اردیبهشت ماه ۱۳۷۶ کارگران کارخانجات فوق دست به اعتضاب زده و خواستار بازگشت کارگران اخراجی شدند. وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی نیروهای اطلاعاتی و لفظی خود را در محل کارخانجات و اطراف آن مستقر کرده و قدم به تهدید کارگران اعتسابی نمود.

نمایندگان کارگران اعتسابی اعلام کرده اند تا بازگشت همکار اتشان به سر کار به اعتضاب خود ادامه خواهند داد.

ما اقدام به لخراج کارگران از سوی رژیم را محکوم کرده و از همه نیروهای مترقبی و شکلهای کارگری خواستاریم تا پشتیبانی خود را از کارگران اعتسابی و خواسته های آنان اعلام کنندز لردیبهشت ۱۳۷۶

سیناریوی بحث حول "انتخابات ریاست

جمهوری در ایران"

قبل از برگزاری "انتخابات" ریاست جمهوری در ایران در تاریخ ۲۸ آوریل سیناریوی بحثی حول تحریم و یا شرکت در انتخابات از سوی کانون دفاع از دموکراسی در ایران در شهر مالمو برگزار شد. در این سیناریو از دو جریان مخالف شرکت در انتخابات (اتحاد فدائیان کمونیست و نهضت مقاومت ملی ایران) و دو جریان موافق (جمهوری خواهان ملی و حزب دموکراتیک مردم ایران) دعوت به عمل آمده بود.

رفیق نیکمنش که از سوی اتحاد فدائیان کمونیست و به عنوان تها مدافع مشی انقلاب در تحولات آتی ایران در این سخنرانی شرکت کرده بود، ضمن توضیح دلایل ما برای عدم شرکت در "انتخابات" فرمایشی رژیم، مشی رفرم در حل معضلات اجتماعی ایران را نیز به نقد کشید و به سوالات شرکت کنندگان در این زمینه پاسخ داد.

در اول ماه مه امسال سه اطلاعیه از سوی انجمن فرانسه هاداران اقلیت (سازمان چریکهای فدایی خلق ایران) منتشر شده است که برای اطلاع خواهندگان در اینجا درج می‌شود.

گرامی باد اول ماه مه (یازدهمین پیشنهاد)

روز همبستگی جهانی کارگران

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری چه باید کرد؟ وقت چندانی به انتخابات ریاست جمهوری در ایران نمانده است. عنصر دیگری از جناح‌های موجود حکومتی باید جای رفسنجانی را بگیرد، از هم اکنون تضادها، اختلافات و درگیری‌های میان این جناح‌ها بر سر کسب این پست شدید شده است. اینکه از میان لیست کاندیداهای سمت چین شده، نام کدامیک بیرون خواهد آمد ظاهراً قبل از شروع انتخابات روشن شده است. نام ناطق نوری به عنوان عنصری که قرار است عهده دار قبضه کردن این پست به نفع جناح خامنه‌ای باشد و رد زبانه است.

بر اساس اخبار رسیده، بازتاب این جاشینی روی اذهان عمومی این است که اوضاع و احوال زندگی کارگران و زحمتکشان ایران هرچه بیشتر و خیلی تر خواهد شد و ستمگری‌های سیاسی افزایش خواهد یافت. از آنجایی که قلابی بودن مکانیزم انتخاباتی و ماهیت بعایت ارجاعی ناطق نوری و یا عناصری از این قماش بر کسی پوشیده نیست، لذا بطور قطع تعداد شرکت کنندگان در انتخابات بسیار پایین خواهد بود. به عبارت دیگر انتخابات با بایکوت و رای سفید بخش مهمی از مردم مواجه خواهد شد.

این در حالی است که بعضی عناصر وابسته به جریانات راست در خارج کشور با تبلیغ روی کاندیداتوری خود، این توهم را می‌پردازند که گویا امکان انتخابات آزاد در ایران وجود دارد. آنهم به هنگامی که رژیم جمهوری اسلامی در پیامدهای تصمیم دانگاه میکنند که سران رژیم در اذهان بین‌المللی به عنوان عناصر تروریست معروفی شده‌اند، شدیداً تحت فشار قرار دارد. عده‌ای نیز نظریه‌سنجات سلطنت طلب و گروه مذهبی مجاهدین از این فضا برای مطرح کردن آتنرانتی خوش و کشیدن دیگران به نبال خود تلاش می‌کنند و حصری به خرج می‌دهند. در این میان مواضع افراد و گروه‌های چپ که وظیفه خود را اشای انتخابات فرمایشی قرار داده‌اند صریح و روش است. آنچه لایحل مانده این است که چگونه می‌توان در هفته انتخابات، به یک اقدام متعدد و یکپارچه در خارج در راستای عملی ساختن وظیفه مورد اشاره دست یافته. چراکه ضرورت اقدام متعدد مهترین چیزی است که باید از افراد و گروه‌های چپ در خارج امید داشت که در دوره‌های حسان سیاسی که جامه آبستن تحولات است، بارزترین توان برای عمل و عالیاترین وحدت ممکن را برای لشای همه جانبی رژیم در لفکار بین‌المللی بکار گیرند.

در باره قتل عام خونین در پرو

همه از قتل عام خونینی که روز ۲۲ اوریل ۱۹۹۷ در لیما پایخت پر و یوگوی پیوست مطلعند. ۱۲۶ روز قبل از این قتل و عام، یک گروه چهارده نفری از رزم‌نگان جنبش لقبلی توبیاک آمارو MRTA با خاطر آزادی زندانیان سیاسی، محل اقامه سفیر ژاپن در لیما که به افتخار اکتیو امپراتور ژاپن مهمانی مفصلی تدارک نیده بود، به اشغال خود در آروده بودند. رفتار و منش رزم‌نگان با صدها سران رژیم و دیبلوماتی‌های بین‌المللی که در هین اشغال در این محل حضور داشتند در تاریخ مبارزات سیاسی نظامی در آمریکای لاتین بعد از حمامه چه گوارا بعنوان یک برخورد منحصر به فرد تلقی شده و تنیار اتکان داد. بطوری که در اندک زمانی موجی از تحسین و احترام در میان کارگران و

برای کسانی که در فرانسه زندگی میکنند، تصور ابعاد ظلم و ستمی که توسط نظام سرمایه داری حاکم بر ایران، بر طبقه کارگر اعمال می‌شود تا حدود زیادی مشکل است. خواستها و مطالباتی که در نوشته‌ها، برنامه‌های گروه‌های سیاسی کارگری در خارج از کشور و یا حتی در اعتراضات کارگری ایران منعکس می‌شود، در مقایسه با خواسته‌ای کارگری فرانسه، فقط برداشت معینی از این ستمگری بدست میدهد.

این خواستها در کلیت خود بین قرارند:

۲۰ ساعت کار، دو روز تعطیلی در هفته و یک ماه مرخصی سالانه.

افزایش سالانه پایه مستمزد متناسب با سطح هزینه‌ها.

تعیین حداقل مستمزد، تامین بیمه اجتماعی کامل، تنظیم شرایط بارنشستگی...

آزادی اتحادیه‌های کارگری و حق اعتصاب با پرداخت مستمزد کامل،

دخالت نمایندگان منتخب کارگران در کلیه امورات کارخانه نظیر اخراج و ...

تدوین قانون کار با مشارکت، نظارت و تصویب مجامع کارگری.

در تحقیق خواسته‌های مذکور، آنچه در ایران رخ می‌دهد این است که ساده ترین اعتراض و یا اعتصاب فقط منجر به اخراج نمی‌شود؛ نظریه آنچه که در بخش‌های خصوصی فرانسه اتفاق می‌افتد، بلکه یک جنایت سیاسی محسوب می‌گردد. مجموعه‌های تضادها، سنتی‌ها، انتگریسم طبقاتی و موقعیت سیاسی در برای برهر اعتراض و اعتراضی از جانب کارگران، خشنترین اعمال تلافی جوانه توسط سرمایه داران و دولت حامیانشان وجود می‌آورد.

با این همه طبقه کارگران نفت فقط نمونه ای از این جسارت بود.

حرکت اخیر کارگران نفت فقط نمونه ای از این جسارت بود.

در بررسی اولیه این اعتراضات و اعتضایات پر اکنده معلوم می‌شود که عنصر خود به خودی، در عمل کارگری نقش مهمی ایفا می‌کند. این تها بین‌الملل نیست که در هر عمل منفرد مبارزاتی، آنچنان عوامل مهم حرفه‌ای، اقتصادی، سیاسی، بین‌المللی، مادی، روانی و نحوه تشکل یابی برهم به طریقی تاثیر می‌گذارد که یک حرکت واحد سراسری در خدمت براندانخن رژیم به هیچ وجه نمی‌تواند به دقت یک مسئله ریاضی حل و فصل شود، بلکه علاوه بر آن بین‌الملل که هر عمل توده ای در صورتی میتواند از تظاهرات یک روزه فراتر رود که زمینه‌های بسیار گسترده و وسیع تری از قبل تدارک دیده شده باشد. این به عبارتی بین‌الملل معنی سنت است که در جریان همین عمل، گروه‌های سیاسی ایرانی که امروز در خارج از کشور هستند و خود را پیشوان طبقه کارگر می‌دانند، باید به اندازه خود کارگران درگیر شوند. نه به این دلیل که کارگران ایران تصور می‌کنند که بین‌الملل گروه‌ها از نخایر اینکشان قادر به انجام کاری نخواهند بود، بلکه به لبی محرك عمیق تری، بالاتر آنکه در شرایط کنونی هر عمل مستقل توده ای در ایران آشکارا هم اقتصادی و هم سیاسی می‌شود و میتواند توفیقی برپا نکند. از این نظر در مقطع کوتني حضور این گروه‌ها در میان طبقه کارگر یک نیاز میرم و غیرقابل انکاری در راستای کمک سیاسی باخاطر تحقق اهداف دوران ساز این طبقه محسوب می‌شود.

هنگام حمله قادر به کشتن همه آنها بودند ، اما آنها آگاهانه به قیمت جان خود از این کار اجتناب کردند.

بدون تردید جسم این رفقاء جای خود را در مبارزه برای انقلاب اجتماعی در پرو بازنخواهد یافت. اما هیچ قتل عامی و هیچ نظام بیکتاتوری نخواهد توافست اینده ها ، تاثیر رفتار و کردار آنها را نابود کند چرا که در ذهن مردم دنیا و بیوژره پرولتاریا زنده خواهد ماند و بیر یازود آلبرنو فوجی موری به همان سرنوشتی گرفتار خواهد امد که حریق سیاهکل دامن شاه را گرفت.

*ABC JAIA 5,
Rue de Douai -
Paris
(E.mail:jahan @ hotmail.com)*

جهان و حتی بخشی از روشنفکران برانگیخت. آلبرنو فوجی سوری عنصر جیره خوار کیسه پول در مقام ریاست جمهوری از همین انسانیت و پسایندی به آرمانهای آزادی خواهانه سوءاستفاده کرده و در برابر نگاه های بهت زده جهانیان با یک حمله نظامی گسترشده که از ماهها پیش تارک نیده شده بود خون شریف آنان را بر زمین ریخت. بلاعاقله بعد از این کشتار سخنگوی کاخ سفید آمریکا ، دولت فرانسه ، آلمان و روسیه سپاهی خود را از این عمل ابراز داشتند. تقریباً اکثریت قریب به اتفاق رسانه های گروهی فرانسه و بسته به بورژوازی در پوشش آزادی گروگانه ها ابراز خرسندی کردند. تنها ازمان عفو بین المللی ضمن ابراز تأسف خواستار تحقیق در مورد چگونگی این کشتار شد. اکنون اما ، موجی از شک و تردید نسبت به ماهیت این موضوع گیری ها نمایان شده است. روزنامه لوموند روز ۲۸ آپریل نوشت که آزادشگان طی مصاحبه ای اعلام داشتند که چریکها با تسلیحات نظامی که در نست داشتند به

نقد از صفحه ۱۲

کارگران بیکار بدون تشکل و پشتونه چه باید بگذرد؟

پارسال از کارخانه کشتی سازی اخراج شدم. در اداره کار این سوالات را با رفقاء کارگر بیگر از ملیتهای مختلف در میان



گذاشتم، همه استقبال کردند. همه این نیازمندی را با گوشت و پوست احساس می کردند. بهتر بیدمیم پاسخ به سوالات فوق و سایر نیازمندیهای تشکل یابی کارگران بیکار را به مثابه مسایل میرم روز از طریق نشریه کار کمونیستی به مباحثه بگذاریم تا با هم فکری سایر کارگران خارج از ملیت، نژاد، زبان و محل سکونت بتوانیم به راه حل های مشترک و واقعیت نهایی دست یابیم. در این زمینه از کلیه صاحب نظران و از رفقاء خود و سایر کارگران مبارز ایرانی در خواست می کنیم تا طرح و نظرات خود را برای ما بفرستند و طرح تشکل یابی بیکاران و سوالات مربوط به آنرا با کارگران سایر کشورها و شهرهای محل زندگی خود در میان بگذارند و برای یافتن رامحل مشترک تلاش مشترکی را سازمان دهند و پاسخ های دریافتی را برای ادامه بحث به آدرس نشریه ارسال کنند.

نا آشناست! اصلا کاری به کار تو ندارند، "باید برگردی اداره کار، چاره نیگری نیست" این حواله می دهد به آن و آن حواله می دهد به این.

تو می مانی و اینکه کار نیست، زندگی نمی چرخد. جواب اهل و عیال را نمی توانی بدھی و ... در نهایت حواله اات می دهند به سوسيال.

بیگر کار تمام است، وارد که می شوی احساس حقارت می کنی. کاملا ایزوله شده ای. دست از همه جا کوتاه است. خشم و کینه است که می چوشد و بالا می آید، تازه با گوشت و پوست درک می کنی که آنچه که به تو می داده اند در حدی بوده و تا وقتی بوده که برای کار فردا آماده شوی. همین. تازه کار به همین جا ختم نمی شود. می خواهند از تو علیه هم طبقه ایهای استفاده کنند. جزو لشکر بیکاران هستند، مثل شمشیر دموکلیوس بالای سر کارگران شاغل نگهت می دارند تا صدایشان در نیاید. ناسیونالیست ها، نژاد پرستان، فاشیست ها، بز هکاران و ... سراغت می آیند. خودت را علیه خودت بسیج می کنند. هیچ نمی فهمی از کجا می خوری.

چاره چیست؟ آیا باید به این وضعیت تن داد؟ یا در فکر چاره بود؟ آیا نمی شود به ایجاد تشکل بیکاران در ابعاد محلیزیست، شهر، استان و کشور دست زد؟ و فراتر از آن در حد منطقه و جهان گسترش داد؟ تا خواست های بیکاران را مطرح و برای تحقق آنها بصورت مشکل مبارزه کند؟ ارتباط بیکاران با تشکل های شاغلین را برقرار سازد؟ همبستگی و مبارزه برای مطالبات و خواست های مشترک را سازماندهی و هماهنگ نماید و ...؟

اگر شرایط فعلی و آینده چنین وظیفه و نیازی را پیش اروی کارگران کارگران بیکار و شاغل قرار می دهد، شکل و مضمون چنین تشکل هایی چگونه باید باشد؟ چگونه و از کجا باید شروع کرد؟

خبر خارجی

ترکیه به اعمال سر کوبگرانه خود در کردستان ترکیه و عراق ادامه می دهد. بنا بر اخبار منتشره از سوی رسانه های جمعی تاکنون دهها روستا بوسیله ارتض ترکیه ویران شده، بخش کثیری از اهالی مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده اند و صدها تن دیگر نیز کشته و زخمی گشته اند. دولت فاشیستی ترکیه علت این اقدام تجاوز کارانه خود را کمک به حزب دمکرات کردستان عراق بر بھری مسعود بارزانی ذکر نمود. دولت آمریکا با صراحت از عملیات وحشیانه ارتض ترکیه به بهانه مبارزه با "تزویریسم" حمایت بعمل آورد. از طرف دیگر عبدالله اوچالان رهبر حزب کارگران کردستان ترکیه (PKK)، اعلام کرد که جان توریست های غربی در صورت سفر به ترکیه در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

بالاخره دولت ترکیه تصمیم به تجدید انتخابات گرفت. این اقدام ناگهانی در پی فشار ارتض ترکیه بر حزب اسلامگرای "رفاه" بر بھری نجم الدین اربکان صورت گرفت.

شصت نفر از کارگران معدن در استان - شیو سین - چین در اثر انفجار دینامیت جان باختند. دولت چین که سالهای است در عمل سیاست های سرمایه دارانه را پیش می برد، توجه چندانی به شرایط ایمنی طبقه کارگر آن کشور ندارد. لازم به یادآوری است که سالانه صدها کارگر چینی قربانی سویجویهای دولت چین و شرکای خارجی آن می شوند.

دستگاه قضایی چین طی یک اقدام هولناک و در مقابل دیدگان ده هزار نفر ۱۵ نفر را تیرباران نمود. مراسم اعدام محکومین مستقیماً از تلویزیون دولتی پخش شد. چین از جمله کشورهایی است که هنوز حکم اعدام در آن لغو نشده و سالانه دهها نفر در "دادگاههای خلقی" به جوخه های مرگ سپرده می شوند. مجتمع بین المللی طرفدار حقوق بشر بارها دولت چین را متهم به قتل مخالفین "سیاسی" خود تحت عنوان جرایم جنایی کرده اند.

اتحادیه اروپا تصمیم گرفت برای چهار کشور بزرگ عضو خود (فرانسه، آلمان، بریتانیا و ایتالیا) امتیازات ویژه ای قائل شود، به این ترتیب که حق رأی آنها را از ۱۰ به ۱۵ درصد افزایش دهد.

حزب سوسیالیست فرانسه در انتخابات پارلمانی آن کشور بر رقیب محافظه کار خود پیروز شد. در این انتخابات حزب سوسیالیست ۲۵۲ کرسی، حزب محیط زیست ۹، حزب کمونیست ۳۹ و جبهه ملی "ژان ماری لوین" تنها ۱ کرسی را به خود اختصاص دادند.

خبر داخلی

در حاشیه "انتخابات" ریاست جمهوری در جریان انتخابات بیش از ۲۰۰ هزار نفر از نیروهای سرکوبگر رژیم در مناطق رأی گیری مستقر شده بودند. علاوه بر آن مأموران امنیتی وزارت اطلاعات در تاکسیها، اتوبوسها و معاابر عمومی در لباس شخصی همه چیز را تحت کنترل خود داشتند.

در این روز در گیریهای زیر بوقوع پیوست: در اصفهان در دیبرستان حافظ محل رأی گیری در اعتراض به نحوه رأی گیری، در گیریهای بین مردم و مأموران رژیم روی داد.

در مشهد در حوزه رأی گیری خواجه ریبع بیش از ۳۰ نفر بخارط پاره کردن عکس یکی از کاندیداها دستگیر شدند.

در شهرهای تبریز، اهواز، ایلام و مراغه در گیریهای بوقوع پیوست و یکی از هاداران ناطق نوری در حاجی آباد چاقو خورد. در روز انتخابات جوانانی در قسمتهای شمال شهر تهران بصورت سازمان یافته در طرفداری از خاتمی به رقص و پایکوبی پرداختند. سازمان یافگی این جوانان و اقدام آنها در روزهای ماه محرم نشان می دهد که از سوی خود رژیم بسیج شده بودند.

همچنین در آخرین ساعت "انتخابات" تعدادی زن و دختر که فکر کرده بودند با برندۀ شدن خاتمی آنها می توانند یکی دو تا از موهای خود را بپرورن از روسی بگذارند، توسط مأموران رژیم دستگیر شدند. این عمل روزهای بعد هم تکرار شد و در مناطق مختلف موهای چند دختر در جلوی مردم قیچی شد.

یک روز بعد از انتخابات محمد خاتمی وفاداری مطلق خود به ولایت فقیه را تکرار و اعلام کرد که همه برنامه های وی از تأیید ولایت فقیه خواهد گذاشت.

روزنامه ها به مردم هشدار دادند که نباید انتظار داشته باشند که رئیس جمهور "منتخب" از اصول انقلاب اسلامی منحرف شود.

ناطق نوری با اکثریت قاطعی مجداً به ریاست مجلس شورای اسلامی انتخاب شد. وی از ۲۲۳ نماینده حاضر در جلسه رأی ۲۱ نفر را نصیب خود ساخت. همچنین حسن روحانی دبیر شورای امنیت ملی و موحدی کرمانی نماینده خامنه ای در سپاه پاسداران به نایب اول و دوم مجلس برگزیده شدند.

فولاد پتربورگ از اهمیت ویژه‌ای در راستای اتحادی جنبش کارگری آمریکا برخوردار می‌باشد.

آخرین آمار منتشره از سوی نفتر آمار اتحادیه اروپا حاکی از آن است که سطح بیکاری در کشورهای EU بالغ بر ۱۰/۸ درصد می‌باشد. این آمار همچنین حاکیست که بیکاری در کشورهای سوئد و بریتانیا در حال رشد است. اسپانیا با ۲۱/۷ و لوگزامبورگ با ۲/۲ درصد به ترتیب از بیشترین و کمترین سطح بیکاری برخوردار می‌باشند.

بیش از ۵۰۰ نماینده از احزاب و سازمانهای کمونیستی از ۱۵ جمهوری سابق اتحاد شوروی اقدام به برگزاری سومین کنگره خلق های شوروی در مینسک پایتخت روسیه سفید نمودند. اکثریت نماینده‌گان را اعضای حزب کمونیست به رهبری ژوگانف تشکیل می‌دادند، اما دیگر احزاب کمونیست نیز حضور فعالی در این کنگره داشتند.

این جریانات هدف عمدۀ خود را احیاء دوباره اتحاد شوروی اعلام کرده‌اند.

در اوخر ماه مه ۱۹۹۷ یک نوزاد دوسر در ویتمام بدنیا آمد. مادر این نوزاد در سالهای ۱۹۶۳- ۱۹۷۶ در منطقه کوانک تری در مرکز ویتنام یعنی منطقه‌ای که به نفعات مورد بمباران شیمیایی جنگنده های آمریکایی قرار گرفته بود، زندگی میکرده است. گفته میشود که نوزاد یادشده فاقد چشم بوده اما دو دهان دارد.

لازم به توضیح است که زایش این نوع نوزادان عجیب الخلقه در ویتمام تازگی نداشت و تنها یک نمونه از میراث جنگ کثیف امپریالیسم آمریکا علیه مردم ویتمام محسوب میشود.

روز دوشنبه دوم آوریل ۹۷ برابر با ۱۲ خرداد ۷۶ سخنگوی دولت طالبان اعلام کرد که باستن سفارت جمهوری اسلامی به علت اعمال تروریستی و خلاف عرف بین المللی، از ادامه فعالیت های آن جلوگیری بعمل میآورد. دولت طالبان که بتازگی با غله بر نیروهای ژنرال دوستم و متحدینش بر بیش از ۹۰ درصد از خاک این کشور تسلط یافته است، در صدد ثبت موقعیت خود در مناطق تحت کنترل افغانستان می‌باشد. از این‌رو می‌باشد بستن سفارت جمهوری اسلامی را گامی در جهت قطع و یا حداقل محدود کردن کمک های ایران به جریانات وابسته خود در افغانستان ارزیابی نمود. در عین حال انتظار می‌رود که تنش های بمراتب بیشتری در روابط بین خلافی اسلامی افغانستان و ایران که هنوز ریانی را به عنوان رسی جمهور رسمی افغانستان به رسمیت می‌شناسند، بوجود آید.

پس از کشتهای بی رحمانه چریکهای توپاک آمارو که اقدام به اشغال سفارت ژاپن در لیما کرده بودند، اکنون نوبت به خانواده ها و بستگان ایشان رسیده است.

نیروهای امنیتی پرو در حال دستگیری سیستماتیک تمام کسانی هستند که به نوعی با اعضا و رهبران توپاک آمارو ارتباط داشته اند. این در حالیست که حتی دولت آمریکا نیز خواهان بهبود سیاست پرو در قبال مخالفین و زندانیان سیاسی آن کشور شده است.

وینی ماندلا همسر سابق نلسون ماندلا در آخرین کنگره ANC مجدداً به مقام ریاست سازمان زنان برگزیده شد.

وی اخیراً " بشدت دولت آفریقای جنوبی را به دلیل عدم پاییندی آن به عده های انتخاباتی خود مورد انتقاد قرار داده و خواهان رسیدگی به نیازمندیهای توده های فقیر و ستمدیده شده بود. به نظر می‌رسد این گونه موضع گیری ها در افزایش محبوبیت وی نزد اعضای ANC تأثیر بسزایی داشته است.

اعتصاب بیش از ۲۵۰۰ کارگر صنایع فولاد آمریکا در کارخانه های ۵ گانه pittsburg - welling وارد ششمین ماه خود شد این اعتصاب که با سکوت و بی مهری رسانه های گروهی آمریکا و جهان روپرتو شده ، روز بروز از حمایت های وسیع تری در میان کارگران سایر رشته های صنعتی برخوردار میشود. از جمله اخیراً یک کاروان کمک های مالی به همراه یک هزار کارگر اتومبیل سازی دیترویت پس از پیمودن ۲۰۰ کیلومتر به پتربورگ رسیده و مبلغ ۲۰ هزار دلار کمک های جمع آوری شده را در اختیار هم طبقه ایهای اعتصابی خود قرار دادند.

اعتصاب اخیراً یک نمونه از چند آکسیون های اعتراضی معاصر است که از یک سال پیش به این سو و بینال برگزاری کنگره اتحادیه CIO - AFL و انتخاب رهبران جدید، در گوش و کنار کشور شکل گرفته است.

به نظر می‌رسد که اراده مبارزاتی در جنبش اتحادیه ای آمریکا روز بروز در حال رشد بیشتری می‌کند. بویژه در بعضی از ایالات کشور که از قوانین ضد اتحادیه ای برخوردار می‌باشند، این مسئله نمود عملی بیشتری دارد. کارفرمایان آمریکایی با تکیه بر قانون ارتجاعی (حق کار) تلاش میکنند به مبارزه با اتحادیه ها بر خیزند. قانون منبور عملابه تشویق اعتصاب شکنی پرداخته و دست کارفرمایان را حتی برای منع کردن فعالیت اتحادیه ای در محیط کار باز می‌گذارد. به همین دلیل اعتصاب کارگران

فراخوان مالی

رفقا! دوستان!

برای انجام وظایف انقلابی به کمک های
فرد فرد شما نیازمندیم!
با کمک های مالی خود ما را در پیشبرد این
وظایف یاری رسانید!
شماره حساب پستی ما در سوئد
۴-۸۲۶۵۸-۸

کمک های مالی خود را به این حساب واریز
کرده و قبض آنرا به همراه کد دلخواه خود
به آدرس ما ارسال دارید.
در شماره آینده کلیه کمک های مالی قید
خواهد شد.

اعضای تحریریه:

نیکمنش، ب آزاد، ب شروین، ر شاهومیان، پدی،
تمدن، خسرو، راسکندر، داریوش، م تاییاز، ف
بیانی، اکبر سه کله.

- مقالات رسیده حتی المقدور باید تایپ شده باشند.
- در صورت استفاده از کامپیوتر دیسکت آنرا برای
ما بفرستید.
- مقالات رسیده پس داده نمی شوند.
- در صورت چاپ نشدن مقالات علت آن کتابا برای
نویسنده ارسال حواهد شد.

من این گل را می شناسم...

بقیه از صفحه اخر

آن جله مقاوم و چالاک... آن پیکر ریز اما یکپارچه تحرک و
تلاش... می لرزید.... با آن پیراهن و ژاکت تازه، با آن کت
معمولی... عجیب اصرار داشت سرد نیست... گفت: "لباس زیاد
دست و پا گیر است" ... گفت: "آخر این هم شد لباس" گفت:
"خیلی اشرافیه". و دستش را که در جیب داشت از آستر بال کت
بیرون آورد و با پنجه اش اداذر آورد. خندهید. خندهید: "شاید تو هم
روزی لازم باشد آستر کنت را پاره کنی".

سر در نیاوردم. در آن یخندهان هزاران متر قدم زد یم واو از
زنگی کارگران می گفت. از زندگی دهقانان، از سنبیکاها، از
شرکت های زراعی... از بانکها... ازوامهای مردم تهییدست... و بعد
از روشنفکران بورژوایی می گفت: "همه در خلوت و در حرف
مبازند!!" گفت چه می شود کرد؟ "خندهید. گفت: "اگربرايم با وقت
بگویی چه نمی شود کرد، به تو خواهم گفت چه می شود کرد."
خاموش ماندم: "برای آنکه حتی بفهمی چه نمی شود کرد باید کار
کنی، باید بدانی زیر این سقف ها چه می گذرد." و به آلونکهای
پشت مجسمه اشاره کرد. از آن شب او را ندیدم. فکر می کنم آن
شب همین که با تکان سر و تتدی نگاه به آلونکها اشاره کرد در میان
همان آلونکها از من جدا شد. هر وقت به او فکر می کنم آلونکها را
در آن زمستان سرد می بینم و آن رفیق ریزنفتش را که مثل گوزنی
سرما زده در لابلای آلونکها از من دور شد. مبارزی هنرمند بود.
گاه شعر می سرود و گاه قصه می نوشت. در نقد هنر و هنرمند
اگرچه بیش از چند نوشته ندارد بنیانگذار شیوه ای مارکسیستی در
نقد هنر است. آن آخرین شبی که بیدمش از خانه تیمی به تناول آمده
بود و من نمی داشتم. مثل کودکی روستاوی ساده و مثل تو سنی
کوهی هوشیار بود. رفیقی ساده و هوشیار، نقاد و مهربان... رفیقی
انقلابی که به ما درسها آموخت. رفیق کبیر پویان و بیگر رفاقت
بنیانگذاران جنبش نوین انقلابی ایران بودند. جنبشی که هنوز
ارزشای تاریخی آن بویژه در زمینه پیوند خلاق توری و پراتیک و
نتایج نوین آن موضوع مبارزات تئوریک نیروهای انقلابی است.

گرامی باد و خاطره جانباختگان راه آزادی و سوسياليسیم

من این گل را می‌شناسم...

شهرهای لرستان.... یک روز در تبریز.... همیش در میان مردم و به ندرت در میان ما روش فکران.... براستی شگفت انگیز بود. و آن روز کنار چمن دانشگاه.... نوشته ای از جرج حبش ترجمه میگرد. کنارش نشسته بودم، سر برداشت. آن چهره سبز تند. آن چشم



مارکسیسم حرف زدن بد نیست . به مارکسیسم عمل کردن دشوار است . " و بعد بالحنی ساده پرسید : " میتوانی به من گریم یاد بدهی ؟ " تعجب کردم و به آرامی گفت : " به تثار علاقه مندم ، شاید ببیایم بچه ها را گریم کنم ... " و آن شب زمستان بود . نفس روی سبیل ها بیخ می بست .

باقیہ در صفحہ ۳۸

خرداد، ماه بخون تپیدن دهها فدایی مبارز و کمونیست می باشد. آنها که با پایداری بر آرمانهای انسانی خود برگ‌های پرافخار دیگری بر تاریخ مبارزات عدالت جویانه و آزادیخواهانه طبقه کارگر وزحمتکشان ایران افزودند دریغا که در این شماره از نشریه بدلیل حجم زیاد مقالات قادر به انتشار اسامی این رفقاء نیستیم. از اینرو تنهای به انتشار نوشته‌ای از شاعر کمونیست رفیق سعید سلطانپور در رابطه با انقلابی بزرگ امیر پرویز پویان که هر دو از شهدای خرداد ماه میباشند اکتفا میکنیم. یاد همه بخون خفتگان فدایی این شاهدان عشق و تمامی شهدای راه آزادی و سوسیالیسم گرامی باد!

٢٣

این گل را

میشنا

رها کنید مرا رها کنید شانه و بازویم

رها کنید مرا اتا ببینم

من این گل را می‌شناسم

من با این گل سرخ در قهوه خانه ها

نشیوانی

من به این گل سرخ در میدان راه آهن

سلام داده‌ام

۱۰۷

من این گل را می‌شناسم



در زندان یودم که خبر رسید. عکس رفیق بانیگر رفایش در روزنامه بود. نگاهم روی عکس ماند.... پویان شگفتا... آغاز گردید.....

پس آن سفرهایش به روستاها ، آن دوستی هایش با مردمان جور اجور آن پرمرد روستایی در قطار آن جوان با آن لباس چرب و روغنی در قهوه خانه ... آن یادداشت ها.... آن شیوه های مختلف لباس پوشیدن هایش شکل مردم بود مثل مردم حرف میزد... آن کتاب ها.... آن ترجمه ها ، آن غیبت های ناگهانی.... یک روز در مشهد یک روز در روستاهای گیلان یک روز در